

The Fusion of Resistance Identity with Al-Aqsa Mosque: Revisiting the Experience of the Murabitat in Al-Quds Al-Sharif

Zahra Shahrzad , Assistant professor, Research Institute for Culture, Arts and Communication. Email: zahra.shahrzad@gmail.com.

Roghayeh Sadat Mousavi , Master of Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Extended Abstract

Introduction: This study examines the contemporary role of Palestinian women—known as “Murabitat Al-Aqsa” (Guardians of Al-Aqsa)—in defending Jerusalem’s Al-Aqsa Mosque against Israeli settler-colonial encroachment. Through “ribā” (a traditional Islamic concept of guarding frontiers), these women blend spiritual resilience with political resistance, anchoring Palestinian identity to Al-Aqsa. The article analyzes their strategies to preserve the mosque’s Islamic character while resisting Israel’s systematic efforts to fragment Palestinian life. Sacred spaces like Al-Aqsa serve as battlegrounds for power, memory, and identity. For Palestinians, Al-Aqsa embodies both religious sanctity and national heritage. Since Israel’s occupation in 1948, the mosque has faced escalating threats: settler incursions, archaeological tunneling, and restrictions on Palestinian access. The “Murabitat” emerged in the 1990s as a grassroots movement to physically and symbolically protect Al-Aqsa, framing their presence as a form of “jihād” (struggle).

Concept of Ribā: Ribā derives from Islamic tradition, originally denoting military vigilance at borderlands. In contemporary Palestine, it signifies steadfastness (umūd) in Al-Aqsa through daily worship, education, and defiance against Israeli control. Religious texts praise ribā as a virtuous act, empowering the Murabitat to legitimize their resistance as both sacred and national duty.

Evolution of the Murabitat: The movement’s roots trace to the 1929 “Buraq Revolt” against Zionist encroachment. After Israel’s 1967 annexation of Jerusalem, Palestinian mobilization intensified. Key milestones include:

- Ariel Sharon’s provocative 2000 visit to Al-Aqsa, sparking the Second Intifada.
- The 2001 “Flag March” organized by Sheikh Raed Salah, systematizing pilgrim convoys to the mosque.
- Israel’s 2015 ban on “Murabitat activities,” criminalizing acts like chanting Allāhu Akbar.

Women became central to ribāṭ as Israel restricted male access, leveraging gender to evade severe repression.

Method: The study employs digital ethnography, analyzing social media content, interviews, and videos produced by 11 prominent Murabitat (e.g., Hanadi Halawani, Khadija Khweis). Data was thematically coded to identify resistance strategies amid Israel’s spatial and digital surveillance.



Key Strategies of the Murabitat

1. Physical Presence: Daily occupation of Al-Aqsa during settler incursion hours (7–11 AM), blocking Jewish ritual performances and asserting Islamic identity through collective prayer and Quranic recitation.
2. Digital Activism: Documenting Israeli violations on social media, launching global campaigns (e.g., “We Are All Maryam” in 2018), and broadcasting the mosque’s spiritual life to counter Israel’s narrative.
3. Symbolic Reclamation:
 - Cooking maqluba (a Palestinian dish) at Al-Aqsa gates, framing its “overturning” as a metaphor for resisting occupation.
 - Palestinian embroidery exhibitions to assert cultural ownership.
4. Community Building:
 - Organizing study circles (maāib al-ilm) to instill attachment to Al-Aqsa.
 - Facilitating buses (āfilāt) for Palestinians fragmented by checkpoints.
5. Expanded Ribā: When banned from Al-Aqsa, the Murabitat hold prayers and iftars at its gates, maintaining spiritual connectivity. Others teach Quran online from exile.

Resistance as Daily Life

For the Murabitat, resistance merges sacred duty with the mundane: weddings in Al-Aqsa, bringing newborns for blessings, and economic solidarity with Jerusalem’s Palestinians. Their activism disrupts Israel’s “politics of suspension”—efforts to paralyze Palestinian life through permits, barriers, and home demolitions. By transforming Al-Aqsa into a site of communal continuity, they reclaim agency.

Conclusion: The Murabitat fuse resistance identity with Al-Aqsa by:

- Rejecting Israel’s fragmentation of time/space through unbroken presence.
- Resisting cultural erasure by performing Palestinian-Islamic traditions.
- Treating Al-Aqsa as both a public sanctuary and private “home.” Their resilience demonstrates how sacred space fuels collective survival against settler colonialism.

Keywords: Al-Aqsa Mosque; Al-Aqsa Murabetat; Palestine; identity; resistance.



امتزاج هویت مقاومت با مسجدالاقصی: بازخوانی تجربه مرباطات در قدس شریف

زهرا شهرزاد^۱، رقیه سادات موسوی^۲

چکیده

مرباطه سنتی جهادی در تراث اسلامی است که بر پاسداری از مرزها و رصد رفتارهای دشمن دلالت دارد. فلسطینیان در صد سال گذشته به واسطهٔ درگیری پیوسته با غصب پیش‌روندهٔ سرزمینشان از سوی رژیم صهیونیستی، برای حفظ میراث اسلامی و به‌ویژه مسجدالاقصی، به سنت مرباطه متمسک شده‌اند. از اواخر دههٔ ۹۰ قرن بیستم میلادی این پیوند شکل وثیق‌تری به خود گرفته و موجودیت معاصر مرباطه به‌ویژه در بخشی از زنان فلسطینی تحت عنوان «مرباطات الاقصی» تبلور یافته است. مقالهٔ پیش‌رو با تمرکز بر تجربهٔ زیستهٔ مرباطات که در قالب تصاویر یا مکتوبات در رسانه‌های اجتماعی رسمی یا غیررسمی بازنشر شده است، ضمن صورت‌بندی راهبردهای اتخاذشده از سوی آنان برای حفظ ماهیت اسلامی مسجدالاقصی، به این امر می‌پردازد که چگونه ادراک فلسطینیان از مقاومت به‌مثابهٔ «مقاومت در برابر تعلیق زندگی روزمره» توسط رژیم با به جریان انداختن زیست روزمره در ساحت مسجدالاقصی ممزوج شده و این نحو از مرباطه چه پیوندی با ادراک انسان فلسطینی از «مسجدالاقصی» دارد.

واژگان کلیدی

مسجد، مسجدالاقصی، مرباطات الاقصی، فلسطین، هویت، مقاومت.

مقدمه

هویت و سیمای کلی یک شهر به‌طور ویژه‌ای با ماهیت مکان‌های مقدس آن در پیوند است. مکان‌های مقدس به‌واسطه جایگاه معنابخش و خصلت خاطره‌انگیزی که دارند می‌توانند با موفقیت به‌مثابه بنیان‌های کارآمدی برای گرد هم آوردن افراد و گروه‌هایی عمل کنند که مرادفات وثیقی با هم ندارند یا حتی همسو نیستند. در اجتماعات گردآمده درون این مکان‌ها، شبکه‌های پیچیده‌ای از روابط، سلطه‌ها، تبعیت‌ها، هم‌بستگی‌ها و همکاری‌ها شکل می‌گیرد و امتداد می‌یابد. این روابط، درعین حال، به‌طور اجتناب‌ناپذیری با مناقشات و درگیری‌ها و کشمکش‌ها بر سر کنترل و تصدی امور و در سطحی بالاتر جدال بر سر معانی و نمادها مرتبط است (Devran, 2022: 631).

شبکه دلالتی که درون مکان مقدس تکوین می‌یابد ناگزیر آن را به مکانی برای مبادله قدرت تبدیل می‌کند. معانی و تبلورات «عینی» آن برای کسانی که مستقر در قدرت هستند یا کسانی که در تخاصم با قدرت کنشگری می‌کنند موضوع منازعه و پیش‌ران تکوین و انتظام‌بخشی به آینده است. از این حیث، مکان‌های مقدس استعاره‌های فضایی هستند که مردم (به‌نحو فردی یا جمعی) می‌توانند در پیوند با آن‌ها خود را بازنمایی کنند و بر مرزهای فرهنگی‌شان پافشاری کنند (Khalidi, 1999: 8). با وساطت مکان‌ها، ایده‌ها و چکیده‌های یک فرهنگ تجسد پیدا می‌کنند و جایگاه‌های مبارک و اشخاص واجب‌التعظیم درون مکان‌های مقدس، علاوه‌بر خصلت قدسی، بخشی از میراث ملی تلقی می‌شوند. به‌سبب چنین پیوندی، این مکان‌ها می‌توانند سیاست هویتی بسیار پیچیده و انعطاف‌پذیری را از خلال خودتوانمندسازی‌ها و طراحی حافظه‌های جمعی شکل دهند و بازتولید کنند که میدانی در دسترس و مفید برای کنش و مقاومت است (Luz, 2013: 57).

«بیت‌المقدس» برای بیش از ۴ هزار سال نمادی از این درهم‌تنیدگی و جدال میان قدرت مقدس و قدرت سکولار بوده است. در طول تاریخ، با دست‌به‌دست شدن قدرت میان حاکمان این شهر مقدس، پیوسته شهر شکل داده شده و تغییر شکل داده است. حکمرانان در هر مقطع، با مداخله در «توپوگرافی دست‌ساز»^۱ آن، علاوه‌بر اشاعه پیام‌های مهمی درباره قدرت خداوند یا قدرت خودشان، رفع نیازهای متنوعی را مطمح‌نظر قرار می‌دادند؛ نظیر پناه دادن به زائران یا سربازان، متمایز کردن مکانی برای تسبیح خدای متعال یا بارگاهی برای استقرار پادشاه، سکونتگاهی برای جنگجویان

صلیبی^۱ یا شهرک‌نشینان صهیونیست. این ساختارها هم به‌صورت منفرد و هم در پیوند با هم به‌مثابهٔ محمولی برای انتقال پیام‌های صریح مذهبی و سیاسی در نظر گرفته می‌شدند؛ به‌نحوی که در مقام مخاطبه با ساکنان شهر به‌عنوان مجموعه‌ای رؤیت‌پذیر «خوانده شوند» (Khalidi, 1999: 5).

در دورهٔ معاصر نیز موقعیت بیت‌المقدس برای انسان فلسطینی محل منازعه‌ای قدسی برای محافظت از مرزهای فرهنگی است. پس از گذشت ۵۰ روز از نبرد طوفان‌الاقصی، رژیم صهیونیستی به مبادلهٔ تعدادی از اسرای فلسطینی تن داد که در روز اول جنگ حماس به اسارت گرفته بود. در میان این اسرای فلسطینی، نام برخی بانوان به چشم می‌خورد که پیش‌تر به‌واسطهٔ فعالیت‌هایشان در فضاها و مجازی و بازنمایی‌های پیوسته‌شان از مسجدالاقصی و مآوق درونی آن برای افکار عمومی شناخته شده بودند. این افراد که خود را «مرباطات‌الاقصی» نام‌گذاری می‌کنند و به‌واسطهٔ جدال مستمر با رژیم بارها طعم طیفی از مجازات‌های فردی و جمعی را چشیده‌اند، شکل برجسته‌ای از خلق و سامان‌دهی هویت جمعی ذیل مفهوم «مرباطه» را به‌ویژه طی دو دههٔ اخیر محقق کرده‌اند. این مفهوم به‌طور خاص در پیوند با زیست انسان فلسطینی است که با آزمودن راه‌های متکثر مرآمده با دیگری سیاسی و هویتی خود، به نقطهٔ انتخاب «هویت مقاومت» به‌مثابهٔ «سیاست هویتی» رسیده است.

این مقاله، با تمرکز بر تجربهٔ زنان مربوط در مسجدالاقصی (مرباطات‌الاقصی)، به پیوندی می‌پردازد که میان این مسجد و انسان فلسطینی تکوین می‌یابد. پرسش محوری آن این است که مرباطات با چه راهبردهایی اعمال و گفتمان دینی بدیعی را با قدرت نمادین مسجدالاقصی در هم می‌آمیزند تا ادراک و اظهار مقاومت مسلمانان فلسطینی در برابر اقدامات استعماری شهرک‌نشینان صهیونیست (در قدس شریف و فراتر از آن) را ممکن کنند.

مفهوم رباط

ربط در عربی به معنای «به صف کردن، مستقر شدن، به‌ویژه صف‌آرایی کردن و مستقر شدن لشکریان و موضع گرفتن برای حرکت به سمت مواضع جنگی» است. تعریف از رباط در لغت‌نامه‌های زبانی نیز اغلب حول کلمات «بند زدن» و «محکم بستن» می‌چرخد. لسان العرب رباط و مرباطه را با «پاییدن خلأهای دشمن» متناظر دانسته است.

در قاموس عرب معاصر نیز رباط مفهومی درباره «پیوند فرد به یک مکان است؛ مکانی که در آن ساکن شده و آن را ترک نمی‌کنند» (مختار، ۲۰۰۸: ۸۴۶). براین اساس، «الرباط» در اصطلاح به اقامت در مرزهایی گفته می‌شود که برای مسلمانان، دفاع از آن‌ها و محافظت از آن‌ها در برابر حملات دشمن لازم است و بیم نفوذ و ضربه‌زنی دشمن در خصوص آن‌ها وجود دارد. مرابطان از آنچه مورد تهاجم واقع می‌شود محافظت می‌کنند و به‌نحو تاریخی عمل رباط با استقرار در مرزهای بلاد اسلامی در پیوند است (Schmitt, 2017: 62).

آثار و منابع دینی حول مفهوم رباط غنی است. در احادیث نبوی رباط کنش دینی ممدوح و به‌مثابه یکی از اشکال جهاد در راه خدا و جلب رضای خدای متعال برشمرده شده است.

از تاریخچه تا موجودیت معاصر مرابطان

تبار رباط الاقصی را می‌توان به همان ابتدای اشغال فلسطین بازگرداند. ایده رباط الاقصی محور جنبشی بود که برای محافظت از مسجد الاقصی و جلوگیری از تصرف و تصدی آن توسط گروه‌های صهیونیستی شکل گرفت. اولین تبلور این جنبش را می‌توان «انقلاب بُراق» دانست که بزرگ‌ترین انقلاب تاریخی برای دفاع از مسجد الاقصی به حساب می‌آید. در سال ۱۹۲۹، به دنبال تصرف دیوار بُراق (دیوار ندبه) و مسجد جامع از سوی صهیونیست‌ها، درگیری‌های دامنه‌داری میان مسلمانان و یهودیان روی داد که در سراسر فلسطین طنین یافت و ده‌ها فلسطینی در اعتراض به آن به شهادت رسیدند. در این جنبش همچنین ۱۳۳ یهودی کشته شدند که آمار چشمگیری محسوب می‌شد. در آن مقطع، ایده رباط اولین موضع‌گیری دفاعی و اولین دفاع از موضع عملی مقاومت علیه تلاش صهیونیست‌ها برای یهودی‌سازی و اخراج فلسطینی‌ها بود (أبوشماله، ۲۰۲۱: ۲۶۰).

ایده رباط نوزده سال پس از یوم النکبه، در سال ۱۹۶۷ پس از جنگ نکسه و شکست ائتلاف عربی از اسرائیل، دوباره قوت گرفت و بنیاد محافظت از میراث الاقصی از این الگوی محافظت مدنی از الاقصی و قابلیت‌های درون آن حمایت کرد. سه سال بعد، جوان یهودی استرالیایی‌ای با به آتش کشیدن مسجد الاقصی بیش از یک‌سوم مسجد را دچار حریق کرد که اعتراضات گسترده‌ای در پی داشت.

در ابتدای دهه ۹۰، میان فلسطینیانی که مانع قرار گرفتن پایه هیکل سلیمان در مسجد شدند و ارتش رژیم درگیری خونینی رخ داد. پس از آن، طی چند دهه مقامات

رژیم با وضع قوانین و توسعه جرم‌انگاری‌ها سعی در تشدید گام‌به‌گام تصرفاتشان در مسجد الاقصی کردند. بدین ترتیب، گروه‌های افراطی یهودی که به موجب «قانون محافظت از اماکن مقدس» و با ملاحظات پلیس رژیم از ورود به مسجد الاقصی منع شده بودند، با توسل به دادگاه‌های یهودی احکامی را برای قانونی کردن هجوم به اقصی مطالبه کردند.

در ۱۹۹۶، درگیری‌هایی در اعتراض به افتتاح تونل‌هایی حوالی و زیر مسجد الاقصی رخ داد که به انتفاضه نفق^۱ معروف شد و موجب اعتصاب سراسری در کرانه باختری و سرکوب خشونت‌بار فلسطینیان از سوی ارتش شد. این درگیری‌ها، هرچند در نهایت با بسته شدن تونل‌ها به پایان رسید، موجب نشد که اصل ایده تخریب مسجد الاقصی و ایجاد معبد یهودی به جای آن به مثابه ایده‌ای تندرو در میان یهودیان راست‌گرا از میان برود (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۳).

در سال ۲۰۰۰، آریل شارون در کسوت رهبر حزب لیکود به مسجد الاقصی یورش برد و آنجا را مکان یهودی اعلام کرد که در دست یهودیان باقی خواهد ماند. جنبش مقاومت اسلامی (حماس) در این مقطع با صدور فراخوان‌هایی از مردم فلسطین خواست «به مسجد الاقصی بروند و شبانه‌روز در آن بمانند، از آن محافظت کنند و مدافع آن باشند». این تقابل‌ها شعله انتفاضه دوم فلسطین را برافروخت و اعتراض و شهادت گسترده فلسطینیان در تمام کرانه باختری و نوار غزه را در پی داشت (ابوعرفه، ۲۰۱۷: ۲۷۴).

پس از وقوع انتفاضه دوم، مقامات اشغالگر حق مرمت نمازخانه‌ها و صحن مسجد را سلب کردند که ممکن بود مقدمه‌ای برای ویرانی بنای مسجد الاقصی باشد. جنبش اسلامی در محدوده خط سبز (فلسطینیانی که در مرزهای ۱۹۴۸ ساکن هستند و به واسطه کارت شناسایی اسرائیلی امکان ورود به مسجد الاقصی را دارند) به رهبری شیخ رائد صلاح برای مقابله با تهدیدات رژیم وارد عمل شد و از طریق سامان‌دهی عزیمت منظم فلسطینیان از محلات و روستاهای گوناگون به مسجد الاقصی «راهپیمایی پرچم‌ها» (مسیره البیارق) را در سال ۲۰۰۱ راه‌اندازی کرد^۲ که محوریت آن تجدید جمعیت اقصی در مقابله با ممنوعیت تجدید بنا بود (أبوشماله، ۲۰۲۱: ۲۶۰).

۱. نفق به معنای تونل است.

۲. «راهپیمایی پرچم‌ها»، از طریق برنامه‌های سازمان‌دهی‌شده به رهبری جنبش اسلامی، به بازگشت اعتماد به بخش بزرگی از فلسطینیان ۱۹۴۸ و شهر بیت‌المقدس کمک کرد. در موقعیتی که دسترسی فلسطینیان در نوار غزه و کرانه باختری به مکان‌های مقدس با صعوبت مواجه بود، طی این برنامه‌ها، فلسطینیان ساکن در نوار سبز به نقش ملی و مذهبی خود پی بردند و توانمندی واقعی خود را کشف کردند (أبوشماله، ۲۰۲۱).

شیخ رائد صلاح، بعدتر از ورود به مسجد منع و بارها دستگیر شد^۱ و سازمان متبوعش را رژیم تحت عنوان سازمان تروریستی طبقه‌بندی کرد اما راهپیمایی پرچم‌ها را می‌توان نقطه آغاز جنبش دائمی و سازمان‌یافته رباط تلقی کرد. (أبوشماله، ۲۰۲۱: ۲۶۲).

سال ۲۰۰۳ در میانه انتفاضه دوم که به «انتفاضه الاقصی» معروف شد، دادگاه اسرائیل اجازه ورود یهودیان به محوطه مسجد الاقصی را صادر کرد. با رفع موانع قانونی، یهودیان در اجابت فراخوان‌های گروه‌های معبد در دسته‌های ۳۰ تا ۵۰ تایی تحت‌الحمایه نیروهای امنیتی رژیم به مسجد یورش آوردند (صالح، ۲۰۱۴: ۳۴۳). افزایش تعداد و سطح کنشگری یهودیان در صحن مسجد الاقصی نظیر گرفتن احکام قضایی برای برگزاری مراسم جمعی و ورود ایده حاکمیت بر اقصی به زبان سیاسی رسمی موجب شد مردم بیت‌المقدس در سال ۲۰۱۰ تصمیم بگیرند مرحله‌ای جدید و نظام‌مند و سازمان‌یافته را برای شکست بی‌عدالتی و دفع نقشه اشغال آغاز کنند. از این مقطع، رباط ماهیت معاصر خود را ابراز کرد و به سلاحي مبدل شد که دامنه اثربخشی‌اش در آن برهه برای اشغالگران پیش‌بینی‌شدنی نبود (الحلوانی، ۲۰۲۱: ۲).

ایده مرکزی رباط ماندن در مسجد الاقصی در ساعاتی بود که صهیونیست‌ها آن را هدف قرار می‌دهند. از سال ۲۰۱۲، گروه‌های شهرک‌نشین صهیونیستی به نام «گروه‌های معبد» روزانه دو مرتبه به مسجد الاقصی یورش می‌بردند. یک بار ساعت ۷ صبح و بار دیگر در ساعت ۱۱ که حفاصل نمازهای یومیة مسلمانان بود. حضور سازمان‌یافته و منسجم رابطان راهبردی بود که محافظت از اقصی را عملی می‌کرد (عمرو، ۲۰۲۱: ۳).

از این مقطع، جزئیات کنشگری رابطان با حربه‌های حقوقی توسط رژیم جرم‌انگاری شد. مثلاً در سال ۲۰۱۴، میری رگو، وزیر فرهنگ اسرائیل، پیش‌نویس قانونی را به کنست (پارلمان اسرائیل) ارائه کرد که در آن هرکس که صدای خود را با گفتن «الله اکبر» در الاقصی بلند کند با محکومیت مالی مواجه شود^۲ (أبوشماله، ۲۰۲۱: ۲۶۳).

این جرم‌انگاری‌ها با عناوین مبهمی نظیر رفتار تحریک‌برانگیز یا ایجاد تشویش موجب شد طی دو سال فهرست بلندبالایی از رفتارهای خشن، دستگیری‌ها یا تبعید از محوطه

۱. رائد صلاح، رئیس جنبش رباط، از سال ۲۰۰۷، از ورود به بیت‌المقدس و مسجد الاقصی منع و حکمی علیه وی مبنی بر اخراج از مسجد الاقصی صادر گردید او تاکنون بارها به اتهام‌های متنوع توسط رژیم دستگیر، زندانی یا تبعید شده است.

2. <https://www.aljazeera.net/programs/women-voices/2021/6/2>

3. <https://www.youtube.com/watch?v=LikuGqnzvgI> و bnfsj.ps/p/1114

۴. فرد محکوم به پرداخت ۵۰ هزار شل (۱۳ هزار دلار) جریمه مالی محکوم می‌شود.

اقصی شکل بگیرد و مؤسسات حامی رباط یکی پس از دیگری تعطیل یا غیرقانونی اعلام شوند. این امر به نحوی فراگیر شد که موشه یعلون، وزیر دفاع اسرائیل، در ۹ سپتامبر ۲۰۱۵ اعلام کرد محافظت مرابطان از مسجدالاقصی ممنوع است و در همان سپتامبر و متعاقب این اعلان، نیروهای اسرائیلی پوتین به پا به مسجدالاقصی وارد شدند و فلسطینیان را دستگیر کردند (صالح، ۲۰۱۶: ۲۰۵). با تشدید دستگیری‌ها و اعمال محدودیت‌های رژیم برای عبور و مرور فلسطینیان به مسجدالاقصی تحرک زنان مرابط از مردان پیشی گرفت. این انتخاب البته نه کنشی صرفاً زنانه که در حقیقت شکلی از بروز ایده انسان فلسطینی در حمایت از مسجدالاقصی بود (Ihmoud, 2019: 515).

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای ملموس رباط در مقابله با سهم‌خواهی روزافزون صهیونیست‌ها اعتراض جمعی به نصب گیت‌ها و دوربین‌های الکترونیکی بود که رژیم با هدف تشدید نظارت بر ورود فلسطینیان به مسجدالاقصی در سال ۲۰۱۷ بر دروازه‌های مسجد مستقر کرد. در واکنش به این اقدام، فلسطینی‌ها با هدایت مرابطات در دروازه‌های مسجدالاقصی دست به تحصن زدند که پس از چهارده روز به برجیده شدن گیت‌ها از دروازه‌های مسجد منجر شد (أبوشماله، ۲۰۲۱: ۲۵۷).

در آوریل ۲۰۲۱، هم‌زمان با عید فصح^۱ یهودیان و ماه مبارک رمضان، صحن مسجدالاقصی کانون تنش بین شهرک‌نشینان اسرائیلی و فلسطینی‌ها شد. شهرک‌نشینان پیمان بین اسرائیل و اردن را شکستند و در مکان‌هایی که پیش‌تر ورود به آنجا برای غیرمسلمانان ممنوع بود تجمع کردند که موجب اعتراض مسلمانان شد. در ۱۴ آوریل، پلیس اسرائیل وارد صحنه شد و به‌زور سیم بلندگوهای مناره اطراف مسجد را قطع کرد و صدای اذان را خاموش کرد و مسلمانان را به ایجاد اخلال در مراسمی متهم کرد که رئیس‌جمهور اسرائیل^۲ در دیوار غربی در حال برگزاری آن بود. در ۱۵ آوریل ۲۰۲۱، نیروهای اسرائیلی وارد عمل شدند و برای متفرق کردن فلسطینیان از گاز اشک‌آور و بمب‌های صوتی استفاده کردند. تعدادی از فلسطینی‌ها که در مسجدالاقصی سنگر گرفته بودند بازداشت شدند. در نهایت، بیش از ۱۵۰ نفر مجروح و ۴۰۰ نفر دستگیر شدند. در عکس‌العمل به این تعدیات، در ۱۶ آوریل، ۷۰ هزار مسلمان در محوطه اطراف مسجد نماز خواندند که بزرگ‌ترین تجمع از زمان شروع همه‌گیری ویروس کرونا بود. وقوع نبرد «سیف القدس» در حمایت از مسجدالاقصی و ساکنان

۱. عید فصح یهودیان (به عبری: פסח) یکی از تعطیلات اصلی یهودیت است و به مدت ۷ روز از ۱۵ آوریل طبق تقویم یهودیان برای بزرگداشت خروج بنی اسرائیل از مصر فرعون می‌شود.

۲. اسحاق هرتزوغ

قدس شرقی و پس از آن درگیری حماس با رژیم صهیونیستی در «طوفان الاقصی» نقاط عطف مهمی از عملکرد انسان فلسطینی در نسبت با مسجدالاقصی است که در آن رابطه محورگفتمانی اصلی است. چنان که در بخشی از بیانیه جنبش حماس در دلایل رقم زدن عملیات طوفان الاقصی آمده است: «این عملیات برای مقابله با برنامه‌های «اسرائیل» برای تسلط بر سرزمین فلسطین و یهودی‌سازی آن و به دست گرفتن کنترل مسجدالاقصی بود» (بیانیه حماس، ۲۰۲۳).

به‌رغم اهمیت مواجهه روشمند و علمی با چنین تجربه‌ای و آثار گران‌سنگی که بازاندیشی پیرامون آن می‌تواند برای سیاست‌گذاری در حوزه اجتماعی سازی مقاومت داشته باشد، متأسفانه در میان مقالات داخلی هیچ مقاله‌ای تاکنون پیرامون «مرباطان» یافت نشد. در مقالات لاتین موجود در این موضوع نیز آنچه عمدتاً مسئله محوری پژوهشگران بوده بیش از اصل تکوین هویت مقاومت و پیوندی که با مسجدالاقصی دارد؛ بررسی پویایی‌های جنسیتی‌ای است که ذیل کشگری مرباطات در حال وقوع‌اند. در حقیقت محور اصلی این پژوهش‌ها این است که مرباطات چطور ساختارهای جنسیتی موجود در سنت اجتماعی‌شان را با عمل مرباطه به چالش می‌کشند. ر.ک به (Schmitt, 2017) و (Shitrit, 2020).

روش پژوهش

دسترسی به میدان پژوهش و مشاهده بی‌واسطهٔ ماوقع مسجدالاقصی به‌واسطهٔ وضعیت در اشغال این مکان مبارک فعلاً میسر نیست. ناگزیر نویسندگان این مقاله، این فقدان دسترسی را با مرآوده حضوری با برخی آوارگان فلسطینی ساکن مخیمات فلسطینی در بیروت (به‌منظور ادراک هرچه نزدیک‌تر میدان پژوهش) و پیگیری مستمر داده‌های تولیدشده توسط مرباطات در صفحات مجازی جایگزین کردند که راه‌های مقدر برای دسترسی به میدان‌های اجتماعی پرمخاطره و محدودشده هستند. ازاین‌رو پژوهش حاضر به لحاظ روش‌شناختی نوعی «مردم‌نگاری آنلاین» محسوب می‌شود که داده‌های آن پس از گردآوری به‌مثابه متن خوانش شده و با استفاده از روش «تحلیل مضمون» تا استخراج مقولات فرعی و اصلی پیش رفته است (Pappé, 2021: 248).

فرایند نمونه‌گیری

نمونه‌گیری یکی از مهم‌ترین مراحل یک پژوهش کیفی است. در پژوهش حاضر با توجه به اینکه مرباطان نسل‌ها و پیشینه‌های سیاسی و فرهنگی متفاوتی دارند، پس از بررسی تعداد

زیادی از مرابطات (زنان مرابط) که در فضای مجازی اطلاعات مستقیم یا غیرمستقیمی از آن‌ها یافت می‌شد، بر تجربه یازده تن از رباط متمرکز شدیم که از حیث نوع فعالیت، ارتباط نهادی، میزان کنشگری، تجربه مجازات‌های تحمیلی از سوی رژیم و سن متنوع بودند. در انتخاب نمونه این مهم مدنظر قرار داشت که داده‌های حاصل شده تکثر داشته باشند و تصویر حاصل شده از این داده‌ها، پوشش بهتری به میدان پژوهش بدهد (Pappé, 2021: 147).

نوع داده‌های گردآوری شده عبارت بودند از مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های مکتوب یا تصویری این افراد، چه در بسترهای رسمی و چه به صورت غیررسمی، اعم از مصاحبه‌های مطبوعاتی، شرکت در تاک‌شو، سخنرانی در مراسم بین‌المللی مرتبط با فعالیت‌های رباط، گفت‌وگو در برنامه‌های تلویزیونی یا خویش‌انداز (سلفی)‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی عربی و انگلیسی زبان. همچنین با بررسی برخی پژوهش‌های صورت گرفته به زبان‌های عربی و انگلیسی مرتبط با رباط، برخی نقل قول‌های مستقیم از مصاحبه‌های این پژوهش‌ها به عنوان داده‌ی متنی گردآوری شد تا تصویر دقیق‌تری از موجودیت معاصر مرابطات در مسجدالاقصی حاصل شود.

مجموعه این داده‌ها پس از گردآوری و ثبت، به مثابه متن بازخوانی و با روش تحلیل مضمون، مقولات آن طی چند مرحله از مضامین فرعی به مضامین اصلی استخراج گردید. پژوهش حاضر در پی آن بود که از خلال مقولات صورت‌بندی شده به این پرسش پاسخ دهد که مرابطات در مسجدالاقصی با استخدام چه راهبردهایی به مثابه عناصر مولد مجموعه‌ای از استعاره‌های فضایی عمل می‌کنند و ادراک از مقاومت چگونه از امتزاج فضا و کنشگری مرابطات خلق و بازتولید می‌شود.

جدول ۱. معرفی نمونه

نام	توضیحات
هنادی الحلوانی	الحلوانی یکی از مرابطان زن شناخته شده مسجدالاقصی است. بانویی ۴۴ ساله که مادر چهار فرزند است و از سال ۲۰۱۱ به طور مستمر ذیل عنوان «مرباطات الاقصی» فعالیت و هویت‌یابی کرده و چه در فضای مجازی و چه در برنامه‌های رسمی و غیررسمی تلویزیونی در زمینه ضرورت توجه به مسجدالاقصی کنشگری داشته است. در مقابل، رژیم صهیونیستی برای محدود کردن فعالیت‌هایش بارها او را دستگیر کرده و از زندان‌های جمعی و انفرادی تا منع ورود به حوزه مسجدالاقصی تا محرومیت او و خانواده‌اش از خدمات اجتماعی تا هجوم به منزل و تخریب خانه‌اش عکس‌العمل نشان داده است. الحلوانی روز سوم نبرد طوفان الاقصی در منزل شخصی‌اش دستگیر شد و در مبادله اسرا در روز پنجاهم جنگ در فهرست آزادی حماس قرار گرفت. ^۱

نام	توضیحات
خدیجه خویص	خویص ۴۵ ساله و مادر پنج فرزند و از معلمان و مربیان حاضر در صحن مسجدالاقصی است. رابطه مستمر او باعث شده در فهرست سیاه اسرائیل قرار بگیرد. خویص نیز عموماً در بازنمایی‌ها و فعالیت‌های مجازی و میدانی در کنار الحوانی قرار دارد و بارها از دادگاه‌های اسرائیل حکم ممنوع‌الورود بودن به مسجدالاقصی گرفته است. در ده سال گذشته به‌تناوب زندان‌های رژیم را تجربه کرده و تجربه ممنوع‌السفر شدن، حبس خانگی و محرومیت خانوادگی از خدمات درمانی نیز در پرونده مجازات‌های او به جرم رباط وجود دارد. ^۱
زینة عمرو	زینة عمرو یکی از رهبران اصلی فعالیت مربیان و از سرشاخه‌های اصلی پیوند مرابطات با «جنبش اسلامی شاخه شمال» و «رائد صلاح» است. عمرو ۵۵ ساله و مادر شش فرزند و دارای مدرک کارشناسی‌ارشد در مطالعات اورشلیم و تاریخ اسلام است. او و همسرش، جمال عمرو، بارها به‌سبب فعالیت‌هایشان در مسجدالاقصی از ورود به محدوده مسجد منع شده و مجازات‌های متنوعی را از سوی رژیم متحمل شده‌اند. ^۲
مدلین عیسی	مدلین اهل شهر کفرقاسم است و به‌سبب فعالیت‌هایش از ۲۰۱۳ به‌عنوان مرابطه الاقصی بارها دستگیر و زندانی شده است. تمرکز فعالیت‌های او بر سامان‌دهی حافلات برای فراهم کردن زمینه حضور فلسطینیان در مسجدالاقصی است. با پخش شدن فیلم دستگیری او در سال ۲۰۱۵ در مقابله با یورش صهیونیست‌ها به مسجدالاقصی، مردم شهر کفرقاسم شورش کردند و فشار اجتماعی حاصل از این اعتراض موجب شد رژیم او را آزاد کند. همین امر موجب شد به او لقب «عزیزه القدس» داده شود. ^۳
ام طارق دعور	ام طارق دعور اهل شهر عکاست و از سال ۲۰۱۳ به‌طور جدی به‌عنوان مرابطه الاقصی کنشگری می‌کند. او که در دهه ششم زندگی‌اش قرار دارد، بارها از سوی رژیم ممنوع‌الورود شده و دست‌کم سه بار بابت فعالیت به‌عنوان مرابطه زندانی شده است. همچنین، رژیم طارق، فرزند او را به جرم آنچه فعالیت‌های خراب‌کارانه در مسجدالاقصی خوانده دستگیر و زندانی کرده است. ^۴
سماح محامید	سماح محامید سی و اندی ساله از شهر ام‌الفحم و از مرابطات فعال مسجدالاقصی است که بارها هدف ضرب‌وشتم نیروهای نظامی مستقر در مسجدالاقصی قرار گرفته است. صفحه او در فیس‌بوک محل بازنشر تعدیات نیروهای رژیم به مسجدالاقصی و نمازگزاران است و شیوه ویژه او برای انجام مرابطه بازنمایی مجازی اتفاقات درون مسجد است. او از سال ۲۰۱۸ پیوسته از مسجدالاقصی تبعید شد تا اینکه به‌همراه هفت نفر از زنان مرابط به اتهام «مانعت از حرکت نیروهای اشغالگر و حمله به شهرک‌نشینان» دستگیر شد. ^۵

1. https://www.youtube.com/watch?v=k4YgUM9K_0g

2. <https://www.youtube.com/watch?v=LikuGqnzvGI> و <https://www.youtube.com/watch?v=LikuGqnzvGI>

3. <https://www.youtube.com/watch?v=uZhFf19ehCE&list=PLb1BzJF7-6KOwnis5S3xFS3yAXIr6Dp5&index=12>

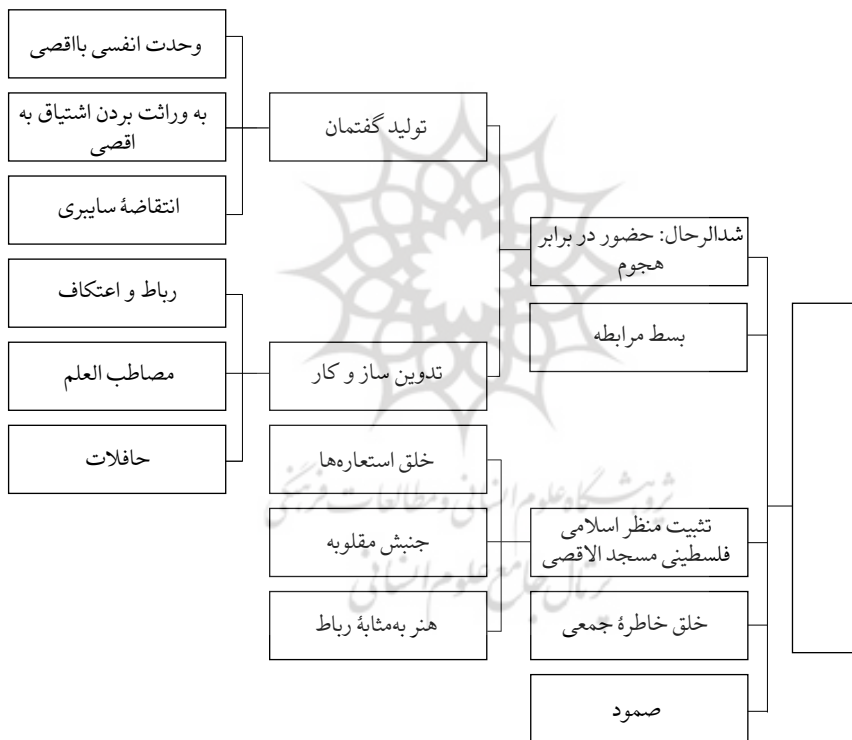
4. <https://www.youtube.com/watch?v=gwldrwTsbGU>

5. <https://bnfsj.net/post/11617>

نام	توضیحات
نهله صیام	سی ساله و از همسایگان نزدیک به مسجدالاقصی است. پدرش، ابراهیم صیام، از مرابطان و معلمان قدیمی کرسی‌های علم در مسجدالاقصی بوده و او خود را میراث‌بر ایدهٔ رباط می‌داند. او بارها از سوی رژیم برای مدت‌های طولانی از ورود به مسجدالاقصی منع شده است. همچنین، با اتهام تحریک خشونت از طریق فیس‌بک توسط رژیم به زندان افکنده شده است. نهله در شورش فلسطینیان علیه نصب درهای الکترونیکی بر آستانهٔ مسجد، به‌رغم مجروحیت بر اثر ضربات نیروهای نظامی، حاضر به ترک محل درگیری نشد. ^۱
نفیسه خویص	نفیسه خویص یکی از مرابطات الهام‌بخش مسجدالاقصی است. به‌رغم سن زیاد، نشاط و سرزندگی و جگندگی عجیبی در فیلم‌های ثبت‌شدهٔ او دربارهٔ وقایع مسجدالاقصی دیده می‌شود. او ساکن محلهٔ شیخ جراح در همسایگی قدس شریف است و پس از منع شدن از ورود به صحن مسجد، با خرید یک توک‌توک نمازگزاران را به صحن‌های مسجدالاقصی می‌رساند. ^۲
بیان الجعبه	بیان الجعبه ۲۹ ساله و از مرابطاتی است که رباط را به روزنامه‌نگاری و کار رسانه‌ای پیوند زده. در همسایگی مسجدالاقصی زندگی می‌کند و از کودکی در کسوت‌های مختلف با مسئلهٔ رباطه مرتبط بوده است؛ مثلاً برگزاری مراسم ازدواج به‌عنوان مناسک دینی در مسجدالاقصی برای او شکلی از مقاومت در برابر طرح‌های یهودی‌سازی مسجدالاقصی است. او نیز مانند بسیاری از مرابطات بارها دستگیر و تبعید شده و نامش در لیست سیاه اسرائیل است. ^۳
آلاء الصوص	از جوانان بیت حنینا در شرق قدس اشغالی است. او و مادرش هر دو از مرابطات الاقصی هستند که بارها از سوی رژیم از ورود به مسجدالاقصی منع شده‌اند. آلاء به‌واسطهٔ فعالیت‌های رسانه‌ای در بازنمایی ماقوع مسجدالاقصی در افکار عمومی شناخته شده است. در رمضان سال گذشته هنگام تصویربرداری از هجوم سربازان اسرائیلی به مسجدالاقصی هدف ضرب‌وشتم سربازی اسرائیلی قرار گرفت و دستش دچار شکستگی شد و بازپخش تصویر حمله‌ور شدن سربازان به او در شبکه‌های عربی خبرساز شد. ^۴
عایده الصیداوی	از مرابطات شناخته‌شدهٔ مسجدالاقصی است که در مجاورت مسجد زندگی می‌کند و از سال ۲۰۰۷ بارها بازداشت و محکوم به تبعید از مسجدالاقصی شده است. او به‌واسطهٔ تصویرهای متعددی شهرت دارد که از او هنگام درگیری لفظی و فیزیکی با نیروهای نظامی رژیم مخابره شده است. عایده بارها به‌عنوان شاهد عینی درگیری‌ها با شبکه‌های رسانه‌ای رسمی و غیررسمی مصاحبه کرده است. نام الصیداوی نیز در فهرست سیاه اسرائیل قرار دارد. (Shitrit, 2020: 128)

یافته‌ها: راهبرد

عمل مرابطات، چنان‌که از معنای لغوی آن نیز استیفا می‌شود، استقرار و صف‌آرایی در مکان مسجدالاقصی برای زیر نظر گرفتن تحرکات و تعرضات رژیم است. این تحرکات در محورهای متنوعی زیست‌جهان اسلامی مسجدالاقصی را به سوی یهودی‌سازی تغییر می‌دهد که مرابطات در قبال آن به نحوی بازاندیشانه راهبرد اتخاذ می‌کنند. در ادامه با ارجاع به یافته‌های مقوله‌بندی‌شده از متن‌ها و مصاحبه‌ها و فیلم‌های مورد بررسی، بیان می‌شود که چه راهبردهایی به‌نحو مؤثر از سوی مرابطات برای غلبه بر دیگری هویتی آن‌ها اتخاذ شده است.



نمودار ۱. راهبردهای مرابطه

۱. شدالرحال: حضور در برابر هجوم

۱۱. تولید گفتمان

مسجدالاقصی برای فلسطینیان جایگاه والایی دارد. این رابطه ویژه یکی از ارکان اساسی

هویت فلسطینی اسلامی مرابطات است. در پیوند با گفتمان دعوت به مسجدالاقصی و خلق اجتماع انسانی بر مدار آن، ایده محوری مرابطات این است که باید برای حفظ یکی از موارث ارجمند اسلامی فلسطینی به مخاطرات متعددی تن داد که با فعالیت‌های مستمر در مسجدالاقصی، زیست در مضیقۀ فلسطینیان را به نحو مضاعف و بی‌منطقی به صعوبت‌های دنباله‌دار دیگری دچار می‌کند. از این رو، یکی از مقولات ثابت در سخنان مرابطات‌گزارشگری و بازنمایی نوعی پیوند انفسی عمیق با مسجدالاقصی است: احساس وحدت با مکان، ادراک روح متمایز مکان، ارجاع به ساحت قدسی مکان در قرآن و سنت و به‌طور کلی «حیات» متمایز مکان.

وحدت انفسی با اقصی

انا بنت الاقصی انا رکن من ارکان الاقصی انا عمود من العوامید الاقصی انا باب من بوابات الاقصی انا مش قادر افوت الاقصی. مش قادره افوت الاقصی بعید الاقصی عن بیّتی ثلاث دقائق ماشی. امشیه من بیّتی للاقصی انا مش قادره افوت الاقصی. انا کل یوم بصلی بره بره بصلی کل یوم کل یوم بصلی برا... لو یعدوانا لو یعتقلونا شو ما یعملوا فینا احنا رابطین و مرابطین لیوم الدین لانه من حقنا هذا اقصانا هذه بلدنا هذا وطننا هذه ارضنا هذه ارض المسلمین من حقنا الرابط فیها ما بهزما اشی منهنم لایهزنا بعادهم و لا برعبنا اعتقالاتهم (نفیسه خویص)^{۱۲}.

احساس می‌کردم دوباره متولد شده‌ام. هر روزی که در الاقصی می‌گذراندم، احساس می‌کردم که به این مکان خدمت می‌کنم و به آن نزدیک‌تر می‌شوم و بیشتر به آن متصل می‌شوم. احساس کردم هر دانه غبار در الاقصی برایم معنایی دارد. گویی که زبانی بین من و این مکان و سنگ‌ها و زمین آن وجود دارد (زینۀ عمرو)^{۱۳}.

1. <https://www.youtube.com/watch?v=vqVrB0w2OJY>

من دختر الاقصی هستم؛ من رکنی از ارکان الاقصی، ستونی از ستون‌های الاقصی، دری از درهای الاقصی هستم. نمی‌توانم وارد الاقصی شوم؛ به فاصله سه دقیقه پیاده روی از خانه ام نمی‌توانم وارد الاقصی شوم، الاقصی از خانه‌ام سه دقیقه فاصله پیاده‌روی دارد. از خانه‌ام تا الاقصی را پیاده می‌روم اما نمی‌توانم وارد الاقصی شوم. من هر روز بیرون [مسجد] نماز می‌خوانم، هر روز، هر روز، هر روز بیرون نماز می‌خوانم... اگر ما را دور کنند، اگر ما را دستگیر کنند، هر کاری هم که با ما بکنند، ما تا روز قیامت در اینجا مستقر و به هم پیوسته‌ایم؛ چرا که حق ماست، این مسجدالاقصی ماست؛ این کشور ماست، وطن ماست، سرزمین ماست، سرزمین مسلمانان است، استقرار در آن حق ماست. هیچ چیز ما را تکان نمی‌دهد، نه دور بودنشان و نه ترساندنشان با دستگیری‌های شان (نفیسه خویص).

۲. برای حفظ کیفیت داده‌ها، متن صحبت‌هایی که به عربی بوده به همان زبان عربی گزارش شده است. ارجاع به مصاحبه‌های انگلیسی به زبان فارسی برگردان شده است. متن ترجمه بخش‌های عربی به صورت زیرنویس ذکر شده است.

3. <https://alqastal.info/post/224389>

این پیوند همچنین در نسبت با زنان مقدس تاریخ اسلام و تاریخ مسجدالاقصی به‌ویژه حضرت مریم (س) به‌نوعی عملی مرابطات را در امتداد سنت دینی دیرپا تثبیت می‌کند:

زنان صحابه پیامبر، همه، مادران مؤمنان، یعنی همسران پیامبر، همه الگوی ما هستند؛ اما آنچه به‌شدت احساس می‌کنم و خود را ادامه آن می‌دانم مریم عذراست. وقتی داستان مریم را در الاقصی خواندم، دیدم خاندان عمران تنها خاندانی بود که در آن زمان که هیچ خاندان مؤمنی در مسجدالاقصی نبود، به اقصی خدمت کردند. خود را طوری می‌پندارم که گویی سوره عمران را با فرزندان و شوهر و خودم تجدید می‌کنم. ما به‌عنوان خانواده تصمیم گرفتیم در رکاب مریم عذرا که از بهشت روزی‌اش را گرفت و در این مکان عبادت کرد، خادم این مکان باشیم. می‌گویم خاک پای مریم هستم. همه این زنان الگوی من هستند؛ اما این مکان مرا با او حضرت مریم متحد می‌کند. برای همین، احساس می‌کنم که او به من نزدیک است و من به او نزدیکم (زینہ عمرو)^۱.

به وراثت بردن اشتیاق به اقصی نیز یکی از زیرمقولات تکرارشونده در سخنان مرابطات است. تصویر والدین یا اقوامی که در طول سال‌های اشغال فلسطین مسجدالاقصی را، به‌رغم همه صدمات و محدودیت‌های تحمیل‌شده از سوی رژیم، اسطوره‌وار گرمی داشته‌اند چنین روایت می‌شود:

تکمل نهلة عن الرجل المقدم المناضل في حياته: كان لا شيء يمنع عن الصلاة في الأقصى في الصيف يرتدي الطاقية مع الدشداشة، والشاء يتزين بالحطة الحمراء مع الجاكيت، ويصوّل ويجول في الباحات، حتى باغته المرض وأصيب بمرض السرطان في الكبد، ومع ذلك كان يذهب للصلاة في الأقصى فعلى حد قوله المرض مش شي محرز ليعده عن الأقصى. اشتد عليه المرض أكثر، وقّع على درجة باب المسجد الأقصى «باب المجلس»، فجرت ركبته وكسرت أسنانه، ظل يزور الأقصى ويصلي به حتى خارت قواه تمامًا، وتوفاه الله تاركًا لنا الأمانة من بعده موصيًا إيانا أن نناضل ونظل متمسكين بالأرض، ونبقى

مرباطین فی حبیبہ الأقصى حتی آخر نفس فینا (نہلہ صیام).^۱

انتقاضہ سایبری

فضای مجازی، به سبب خصلت برانگیزاننده و گستره‌ای که دارد، یکی از میدان‌های اصلی گفتمان‌سازی روابط است که به شدت از سوی رژیم سرکوب می‌شود.^۲ اعلان گزاره‌های اصلی گفتمان رباط به‌ویژه گزاره «در مخاطره بودن مسجدالاقصی» در قالب‌های رسانه‌ای و متنی متنوع در فضای مجازی تولید و توزیع می‌شود و بر اهتمام به موقوف مسجدالاقصی و ترغیب مسلمانان و فلسطینیان به حضور در آن و التفات به آن به مثابه فريضه دینی تأکید می‌ورزد. انتشار این پیام‌ها در فضای مجازی، به‌ویژه در مقطعی که جدال فیزیکی در صحن‌های مسجدالاقصی وضعیت وخیم‌تری پیدا می‌کند، عموماً از سوی رژیم جرم‌انگاری می‌شود:

عندما وصلت باب المجلس اعتقلوني وهددوني إذا كتبت عالفيسبوك أي شيء هذا تحريض، وإذا حدث أي عملية تكون بسببي! لأنني بذلك أزيد من حماس الشباب بحسب ادعاءهم (أم طارق دعور).^۳
أبعدت عن الأقصى ٦ أو ٧ مرات كلهن، بلا استثناء، ألّمن قلبي. هل تتخيلي أن تبعدني عن مكانك الذي تربيت فيه! تفاوتت مدة الإبعادات، في مرة أبعدت ٤٠ يوماً وأخرى ٣ أشهر ومرتين ١٥ يوماً ومرتين ٤ أشهر، وأغلب إبعاداتي كنت أعتقل فيها وأسلم قرار الإبعاد. وفي مرة داهموا منزلي واعتقلوني لمدة ٥ أيام بتهمة التحريض على العنف عبر فيسبوك، ومرة أخرى اتهموني بأنني ألتقط

1. <https://bnfsj.net/post/1003>

نہلہ در ادامه درباره‌ی مرد شجاع و مبارزی که در زندگی‌اش بود می‌گوید: هیچ چیز نمی‌توانست او را از نماز خواندن در مسجدالاقصی باز دارد. در تابستان، عرق‌چین و دشداشه می‌پوشید و در زمستان، با چفیه قرمز و ژاکت خود را آراسته می‌کرد و در صحن‌ها به این سو و آن سو می‌رفت تا اینکه بیمار شد و به سرطان کبد مبتلا شد؛ با این وجود، برای نماز خواندن به مسجدالاقصی می‌رفت و به قول خودش بیماری چیزی نبود که ارزش داشته باشد او را از مسجدالاقصی دور کند. بیماری‌اش شدیدتر شد، روی پله‌های در مسجدالاقصی «باب المجلس» افتاد، زانوش زخمی و دندان‌هایش شکست و همچنان به زیارت مسجدالاقصی و نماز خواندن در آن ادامه داد تا اینکه کاملاً ناتوان شد و از دنیا رفت و پس از خود، امانت را برای ما به جا گذاشت و وصیت کرد که مبارزه کنیم، ملتزم به زمین خود پایبند بمانیم و تا آخرین نفس در عزیزش، مسجدالاقصی، رباط بمانیم (نہلہ صیام).

۲. مثلاً در سال ۲۰۱۷، فیس‌بوک، در پاسخ به درخواست پلیس اسرائیل و بخش سایبری دفتر دادستانی اسرائیل و وزیر امنیت داخلی، دسترسی به صفحه فیس‌بوک روابط را برای کاربران اسرائیلی مسدود کرد. وزیر این حرکت را تحسین کرد و گفت: «امروز توانستیم فعالیت آن‌ها را در فیس‌بوک متوقف کنیم. به کار خود ادامه خواهیم داد تا اطمینان یابم که عناصر تحریک‌کننده بیشتر و بیشتر توسط شبکه‌های اجتماعی و فیس‌بوک مسدود خواهند شد تا دیگر بستری برای تحریک تروریسم نباشند» (شیتريت، ۲۰۲۰: ۱۶۷).

3. <https://bnfsj.net/post/11617>

وقتی به باب المجلس رسیدم، دستگیر کردند و تهدید کردند که اگر در فیس‌بوک چیزی بنویسم این تحریک است و اگر عملیاتی رخ دهد، دلیل آن من خواهد بود! چرا که به ادعای آنها، باعث افزایش هیجان جوانان می‌شوم (ام طارق دعور).

الصور للمستوطنين خلصة؛ وأيضاً أعرقل عمل الشرطة فقط لأنني صليت عند باب الرحمة، ولا أنسى حين اعتقلوني دون وجود هويتي الشخصية معي، طلبت منهم العودة لإحضارها، رفضوا، فعاندت ورفضت إعطاءهم معلومات عني فشرعوا في شتمني بشتائم نابية، وسب النبي محمد صلى الله عليه وسلم (نهله صيام).¹

لقد ساعدتنا في تسليط الضوء على الانتهاكات والاعتداءات التي يمارسها الاحتلال على المقدسيين، وإيصالها لأكبر قدر ممكن من الناس حول العالم، ولقد أثبتت قضية الشيخ جراح وسلوان أن وسائل التواصل الاجتماعي لها دور كبير في توجيه الرأي العام نحو ما نريد، وإظهار وجه الاحتلال الذي يعمل بشكل مستمر على فرض سياساته التهيديّة والعنصريّة. كما أن توثيقنا وتغطيتنا لأحداث القدس سواء المفرحة والمحنة تضع المتابعين والمُشاهدين في قلب الحدث، ويتشاركون معنا التفاصيل التي تُصعب على وسائل الاعلام تغطيتها أولاً بأول وبشكل مباشر (آلاء الصوص).²

علاوة بر بازنمایی یورش‌های نیروهای نظامی رژیم و هتک حرمت‌های صورت گرفته به قداست مسجدالاقصی و محدودیت‌هایی که برای ورود آزادانه به مسجدالاقصی برای فلسطینیان ایجاد می‌شود، برخی از مرابطات معرفی خود مسجدالاقصی و از آن مهم‌تر به اشتراک گذاشتن تجربه زیست در مسجدالاقصی را در فضای مجازی مطرح نظر قرار می‌دهند. بازنمایی زیست اسلامی در مسجدالاقصی، به‌رغم فشارها و مزاحمت‌های رژیم و بیان عواطف و پیوندی که میان مرابطات و مسجدالاقصی برقرار است از

1. <https://bnfsj.net/post/1003>

شش یا هفت بار از الاقصی تبعید شدم، بدون استثنا همه‌شان قلبم را به درد آوردند. تصور کن که از مکانی که در آن بزرگ شده‌ای تبعید شوی! مدت تبعیدها مختلف بود؛ یک بار ۴۰ روز تبعید شدم، بار دیگر ۳ ماه و دو بار ۱۵ روز و دو بار ۴ ماه. بیشتر تبعیدهایم با دستگیری همراه بود و [پس از دستگیری] حکم تبعید را دریافت می‌کردم. یک بار هم به خانام یورش بردند و مرا به مدت ۵ روز به اتهام تحریک به خشونت از طریق فیسبوک دستگیر کردند؛ بار دیگر مرا متهم کردند که مخفیانه از شهرک‌نشینان عکس می‌گیرم؛ همچنین بار دیگر فقط به این دلیل که در باب الرحمة نماز خواندم، در کار پلیس اخلاص ایجاد می‌کنم. هرگز فراموش نمی‌کنم که بدون داشتن کارت شناسایی دستگیرم کردند، از آنها خواستم که برای آوردن آن برگردم اما امتناع کردند، من هم لجبازی کردم و از دادن اطلاعات درباره خودم خودداری کردم و آنها شروع کردند به فحاشی رکیک و به پیامبر محمد صلی الله علیه و سلم دشنام دادند (نهله صیام).

2. <https://bnfsj.net/post>

شما به ما کمک کردید تا نقض‌ها و تجاوزهایی که اشغالگران علیه بیت المقدسی‌ها انجام می‌دهند را برجسته کنیم و آن را به بیشترین تعداد ممکن از مردم در سراسر جهان مخابره کنیم؛ مسئله شیخ جراح و سلوان ثابت کرد که رسانه‌های اجتماعی نقش بسزایی در هدایت افکار عمومی به سمت آنچه ما می‌خواهیم دارند و چهره اشغالگرانی که به طور مداوم برای تحمیل سیاست‌های یهودی‌سازی و نژادپرستانه خود تلاش می‌کنند را آشکار ساخت. همچنین، مستندسازی و پوشش رویدادهای قدس، چه شاد و چه غم‌انگیز، بینندگان و دنبال‌کنندگان را در مرکز رویداد قرار می‌دهد و جزئیاتی را که پوشش آن به صورت لحظه‌ای و مستقیم برای رسانه‌ها دشوار است را به اشتراک می‌گذارند (آلاء الصوص).

مضامین اصلی این کنشگری‌ها در فضای مجازی است که راه‌حلی برای احیای حافظهٔ جمعی پیرامون مسجدالاقصی به‌ویژه برای فلسطینیانی است که از زیارت آن به‌سبب دیوارکشی‌های رژیم محروم شده‌اند. تثبیت تصویر زیست اسلامی در مسجدالاقصی، نظافت مسجد توسط مرابطات، تدارک غذا و وسایل لازم برای معتکفان، نمازهای جماعت و معرفی نقاط متنوع مسجد و تاریخچهٔ آن از این موارد است.^۱

جلب هم‌پستگی‌های بین‌المللی با قدس نیز از مسیر برگزاری کمپین‌های مجازی پیگیری می‌شود. برای مرابطاتی که موهبت حضور در مسجدالاقصی را دارند، خیل انبوهی از فلسطینیان خارج از فلسطین، علاوه‌بر عرب‌ها و مسلمانان سایر کشورها، مخاطب این کمپین‌ها تلقی می‌شوند. کمپین «کلنا مریم» با بهره‌گیری نمادین از تصویر حضرت مریم به‌مثابهٔ بانوی حاضر در تاریخ مسجدالاقصی طراحی شد که شباهت زیادی به واقعیت معاصر زن مقدسی دارد. این کارزار در سال ۲۰۱۸ در سطحی جهانی نهادهای بین‌المللی و فعالانی از جامعهٔ مدنی را با خود همراه کرد. از خلال طراحی این کمپین‌ها امکان غلبه بر بُعد مکانی اقصی و پیکربندی مجدد اقصی در جهان اسلام به‌مثابهٔ نوع آرمانی مسجد میسر می‌شود و مخاطبان منطقه‌ای و بین‌المللی از رسانه‌های سنتی و شبکه‌های اجتماعی به دفاع از مسجدالاقصی دعوت می‌شوند. همچنین، اطلاع‌رسانی دربارهٔ وضعیت مرابطات و مشکلات و رنج‌هایی که با تعدی رژیم متحمل می‌شوند از اهداف این کمپین‌هاست. این کنشگری‌ها در سطح بین‌المللی با اقسام متنوعی از مجازات‌ها، از حبس خانگی تا محدودیت سفر تا قطع دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و... همراه است؛ اما از سوی مرابطات به‌عنوان یکی از مسیرهای ناگزیر یارگیری و توسعهٔ گفتمانی ادراک می‌شود.

۲۱. تدوین سازوکار

گفتمان رباط در مسجدالاقصی از طریق سازوکارهایی به‌نحو روزآمد تقویت و عملیاتی می‌شود. برخی از این سازوکارها استخدام و پافشاری بر اجرای مناسک دیرپای اسلامی در پیوند با مساجد است و برخی دیگر ابتکارات مرابطان برای تسهیل و تحقق‌پذیری عمل رباط در مضیقه‌های ساختاری متعددی است که زیست متعارف فلسطینیان را متأثر می‌کند.

رباط و اعتکاف

رباط به‌عنوان عمل عبادی در اشکال مختلفی خود را نشان می‌دهد. اعتکاف یکی

از راهبردهای دیرینه استقرار در مسجدالاقصی است و بیشترین میزان اعتکاف جمعی فلسطینیان در ده روز آخر ماه مبارک رمضان محقق می‌شود. شباهتی ماهوی میان رباط و اعتکاف وجود دارد. در هر دو، نیت وقف وقت برای خدای متعال ملحوظ است؛ هرچند رباط، مازاد بر تصریح وقف وقت برای خداوند، قصد محافظت از مسجد در برابر تهدید خارجی است. در فیلم‌ها و عکس‌های پخش‌شده از مسجدالاقصی معتکفان حاضر در آن دیده می‌شوند و گزارش‌هایی از درگیری میان معتکفان و نیروهای رژیم پخش شده است؛ اما در داده‌های مورد بررسی، اغلب مرابطات به پذیرایی از معتکفان و تسهیل امر آن‌ها اشاره کردند تا خود تجربه اعتکاف که ممکن است متأثر از ممنوعیت‌های ادواری تحمیل‌شده به آنان برای ورود به مسجدالاقصی باشد.

مصاطب العلم

در سال ۲۰۰۸ جنبش اسلامی شمال برنامه‌ای به نام مصاطب العلم را در ۳۶ کرسی موجود در مسجدالاقصی آغاز کرد که هدف آن تشکیل محافل مطالعاتی در مسجدالاقصی و ارتقای آگاهی از جایگاه مسجدالاقصی بود. این حرکت البته تقویت حضور مسلمانان در صحن‌های مسجد را موجب می‌شد و به مثابه جریانی معارض برای بازدیدهای فعالان معبد قد علم کرد. از این رو، این حلقه‌های مطالعاتی «راهی برای تضعیف طرح‌های یهودی‌سازی الاقصی» بود. حین اجرای این طرح، محافل قرآن‌پژوهی مردان و زنان و کودکان مدرسه‌ای در طول و عرض صحن مسجد به نحوی مستقر می‌شوند که در مسیر بازدیدکنندگان یهودی باشند. بدین ترتیب، مسلمانان از جایگاه خود در محافل مطالعاتی می‌توانند تحرکات یهودیان را ردیابی کنند و به هر اقدام تحریک‌آمیزی در لحظه پاسخ دهند.

بسیاری از مرابطات تجربه علم‌آموزی یا تدریس در حلقه‌های علمی مسجدالاقصی را به نحو محوری در بازنمایی کنش‌هایشان روایت می‌کنند:

اهمیت نقشی را که در الاقصی بازی می‌کردم احساس کردم. دریافتم که بین عموم مردم جهل زیادی به این مکان و جایگاه آن در اسلام و عظمت آن در طول تاریخ وجود دارد. همچنین وقتی دیدم که نیاز به اطلاعات صحیح وجود دارد، زمانی که اشغالگران قصد تحریف این تاریخ با تمام قدرت و تحریف تمدن اسلامی را دارند و می‌کوشند نام‌ها را تغییر دهند و هژمونی خود را بر آن تحمیل کنند، احساس کردم که نقش من مهم است... به همین دلیل است که دریافتم وظیفه من است که پیام الاقصی و اهمیت این مکان و

تهدیدهایی را که با آن مواجه است برای افراد بیشتری که به مسجدالاقصی

می‌آیند منتشر کنم (زینه عمرو).^۱

گسترش استقبال از ایده مصاطب العلم که چرخه معرفتی عملیاتی ایده رباط را محقق می‌کند، با عکس‌العمل رژیم مواجه شد و به‌ویژه از سال ۲۰۱۳ منابع مالی بسیاری از مؤسسات حامی اقصی مسدود و اموال و املاک آن‌ها مصادره شد.

حافلات

از حدود سال ۲۰۰۱، فعالان جنبش اسلامی از طریق سازمان‌دهی اتوبوس‌های رایگان، برخی فقط برای زنان و برخی دیگر برای مردان و زنان از سراسر سرزمین‌های اشغالی، جایگاه مسجدالاقصی را در اعمال مذهبی فلسطینیان ارتقا دادند. اهمیت این برنامه به‌ویژه از این حیث بود که فلسطینیان منفک‌شده از یکدیگر به‌واسطه طبقه‌بندی‌های کاستی درون رژیم صهیونیستی را با تسهیل زیرساخت ارتباطی دوباره با یکدیگر پیوند می‌داد: زنان فلسطینی دارای کارت شهروندی، ساکنان قدس که فاقد امتیازات شهروندی‌اند و زنان فلسطینی‌ای که با اخذ مجوزهای موقت از رژیم اسرائیل از کرانه باختری خود را به قدس می‌رسانند حول تجربه عبادی و رباط برای مسجدالاقصی به هویت و ادراک مشترک جدیدی دست می‌یافتند که بن‌مایه توأمان ملی و مذهبی داشت.

اصرار بر استمرار چنین ایده‌ای سامان‌دهی و اعزام فلسطینیان به‌سوی مسجدالاقصی از سوی رژیم بی‌پاسخ نماند. برخی از مرابطات در مصاحبه‌های خود از محدودیت‌ها و هزینه‌تراشی‌های پیوسته رژیم برای منقطع کردن این جریان سخن می‌گویند:

في بداية رباطي جيش الاحتلال أصبح يهدد أصحاب الباصات التي تأخذ الناس على الأقصى، وفعلياً توقفوا تحت التهديد، وانقطعت عن الذهاب إلى هناك.

این محدودیت‌ها البته با چاره‌اندیشی‌های مرابطات و بذل مال شخصی برای سر پا نگه داشتن حرکت به‌سوی اقصی همراه می‌شود:

ثم خطرت لي فكرة أن أنظم باصات على حسابي الشخصي، وبالفعل، بدأت بباص صغير كان معي عدد قليل جداً بسبب قلة وعي الناس بضرورة الرباط في القدس.

هدف، علاوه بر تقویت پیوند با مسجدالاقصی و تحکیم روابط فیما بین فلسطینیان از مناطق مختلف کشور بر محور مسجدالاقصی، حمایت اقتصادی از ساکنان فلسطینی بیت‌المقدس از طریق تشویق به خرید و غذا خوردن و فعالیت اقتصادی در بازارهای

تجاری شهر قدس است که رباط آن را به مثابه تقویت کمربند حائل مسجدالاقصی تلقی می‌کنند. با محدودیت دسترسی ساکنان کرانه باختری و برخی از روستاهای منطقه بیت المقدس که آن سوی دیوار حائل هستند، شهر قدیمی و بیت المقدس شرقی دچار انزوای اقتصادی شده است. تقویت اقتصادی فلسطینیان ساکن در آن منطقه خود راهبردی برای تقویت نیروهای خط اول دفاعی برای حمایت از مسجدالاقصی است:

وتعلمت أنه لكي نحمي الأقصى يجب أن نحمي ما حوله أي أهل القدس،
فمن المهم أن نربط أهل الداخل بأهل القدس، وندعم صمودهم واقتصادهم،
عن طريق الشراء من أسواقهم (مدلین عیسی).^۱

تسهیل حرکت زائران مسجدالاقصی به مثابه عملی نمادین برای مطرح کردن اولویت و اهمیت رباط در اقصی در کنش‌های برخی رباط‌گزارش می‌شود که در جلب توجه افکار عمومی مؤثر بوده است:

كان يتسع التوكتوك لخمسة أشخاص، كنت أنقل كل من احتاج للمساعدة ولم
أكتف بنقلة واحدة. لم يدم ذلك طويلاً، فقد لحقوا بي إلى حي الشيخ جراح
وخالفوني بمبلغ من المال، واحتجزوا التوكتوك قرابة سبعة أشهر
(نقیسه خویص).^۲

۲. بسط مرابطه

اولین مرحله مجازات مرابطات تبعید فیزیکی آن‌ها از مرزهای مسجدالاقصی است. این مرزها با دواير متمایزی که برای فلسطینیان شناخته شده است حدود حرکت فرد را برای مدت معلومی محدود می‌کند تا امکان کنشگری او را به تعلیق درآورد. این محرومیت در آثار مرابطات به مثابه اصلی‌ترین جنایت رژیم و محرومیت از محبوب روایت می‌شود:

إن إبعادي عن الأقصى هو إبعاد من بيتي وموطني، والحقيقة أن هذا العقاب

1. <https://bnfsj.net/post/1230>

در ابتدای مرابط شدن، ارتش اشغالگر شروع به تهدید صاحبان اتوبوس‌هایی کرد که مردم را به (مسجد) الاقصی می‌بردند و در واقع، آنها تحت تهدید متوقف شدند و از رفتن به آنجا محروم شدم. سپس به ذهن رسید که اتوبوس‌هایی را با هزینه شخصی خودم سازماندهی کنم. در واقع، با یک اتوبوس کوچک شروع کردم که به دلیل آگاهی کم مردم از ضرورت حضور و استقرار در قدس (رباط)، تعداد بسیار کمی همراه بودند. یاد گرفتم که برای محافظت از (مسجد) الاقصی باید از اطراف آن، یعنی اهالی قدس، محافظت کنیم چرا که اهمیت دارد اهالی سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ را با اهالی قدس مرتبط کنیم؛ با خرید از بازارهایشان، از پایداری و اقتصاد آن‌ها حمایت کنیم (مدلین عیسی).

2. https://www.youtube.com/watch?v=k4YgUM9K_0g

توکتوک ظرفیت پنج نفر را داشت. هر کسی که نیاز به کمک داشت را می‌رساندم و به یک بار حمل و نقل اکتفا نمی‌کردم. این وضعیت زیاد دوام نیاورد، چرا که در محله شیخ جراح به من رسیدند، جریمه‌ام کردند و توکتوک را حدود هفت ماه توقیف کردند (نقیسه خویص).

هو أفسى ما يمكن أن يعيشه أيُّ مرابط، ولا أنكر حزني وبكائي في كلِّ إبعاد،
لذلك أذهب أنا ورفيقات الرباط إلى طريق المجاهدين، أو أقرب مكانٍ يمكن
أن يطلَّ على الأقصى ونؤدي شعائرنا هناك (سماح محاميد).^۱

در برابر این تعلیق تحمیلی، زنان کنش‌های بازاندیشانه متنوعی ابداع می‌کنند. روابط با سامان‌دهی اجتماعات جدید در راهبردی‌ترین نقاط ممکن در مسیر مسجدالاقصی گرد هم می‌آیند و رابطه را از نزدیک‌ترین فاصله ممکن ادامه می‌دهند. ذیل این اجتماعات، آشکالی از مناسک جمعی ابداع می‌شود که به تدریج در زیست روزمره روابط معنای خاص خود را می‌یابد و بازتکرار می‌شود.

نقوم بءاء طقوسنا الرمضانية ككل رمضان بتناول طعام الافطار على ابواب
المسجدالاقصى المبارك. يصنعن موائد الافطار للصائمين والممنوعين عن
الوصول للاقصى. نقیم موائدنا الرمضانية تحديدا ما بين باب حطه و باب
الاسباط في طريق المجاهدين نفطر الصائمين نفطر المبعدين نفطر القادمين
من اخواننا في الضفة الغربية. هذل الافطار هو نوعا من الثبات و الصمودی و
مراغمه اعداء لله عز و جل و اغاظتهم سنظل نعضو على ابواب المسجدالاقصى
المبارك حتى يكتب الله سبحانه و تعالى لنا صلاه فيه او يقضى الله امرا كان
مفعولا (خديجه خويص).^۲

فراتر رفتن از محدودیت فیزیکی و بسط رابطه به آشکال متکثری از کنش‌ها، دست برتر روابط برای احیای گفتمان رباط، به‌رغم اعمال محدودیت‌های رژیم است. در این منازعه، از سویی، خصلت ازجاکنندگی‌ای که به واسطه رشد فضای مجازی ممکن شده است به امداد روابط می‌آید:

هنادی حلوانی در پنجمین ممنوعیت خود که یک ماه به طول انجامید، تبلیغی
را در فضای مجازی منتشر کرد و گفت که می‌تواند تلاوت قرآن را آموزش

1. lammeh.com/post/307

تبعیدم از مسجدالاقصی، تبعید از خانه و وطن است. در واقع، این مجازات، سخت‌ترین چیزی است که هر مرابطی می‌تواند تجربه کند و من منکر ناراحتی و گریه خود در هر تبعید نیستم. بنابراین، من و دوستان مرابط به راه مجاهدين یا نزدیکترین مکانی که مشرف به مسجدالاقصی باشد می‌رویم و شعائر (مناسک) خود را در آنجا انجام می‌دهیم (سماح محامید).

2. https://www.youtube.com/watch?v=k4YgUM9K_0g

ما مناسک رمضان خود را مانند هر رمضان با صرف افطار بر درهای مسجد مبارک الاقصی انجام می‌دهیم. سفره‌های افطاری برای روزه‌داران و کسانی که از رسیدن به مسجدالاقصی منع شده‌اند پهن می‌کنیم. سفره‌های رمضان خود را به طور مشخص بین باب حطه و باب الاسباط در طریق المجاهدين برپا می‌کنیم و روزه‌داران، تبعیدشدگان و برادرانمان از کرانه باختری را افطار می‌دهیم. این افطاری نوعی پایداری و استقامت و به خشم آوردن دشمنان خدا و ناراحت کردن آن‌هاست. ما همچنان بر درهای مسجد مبارک الاقصی خواهیم بود تا اینکه خداوند سبحان و تعالی برای ما نمازی در آن مقدر کند یا امر الهی را که شدنی است، به انجام رساند (خديجه خويص).

دهد... برادری از الجزایر با من تماس گرفت و از من خواست که او را آموزش دهم. من در باب السلسله می‌نشستم و از طریق اسکایپ برای او قرآن را در دروازه مسجد الاقصی می‌خواندم. گوشی می‌گذاشتم، آی‌پد همراهم بود و به تمرین خواندنش گوش می‌دادم؛ و هنگامی که شهرک‌نشینان از [الاقصی] خارج می‌شدند، توقف می‌کردم و دو نفری با زنان دیگر تکبیر می‌گفتم؛ و روزی که قرائت کامل قرآن را به پایان رساندیم، روزی بود که دوباره وارد الاقصی شدم. وارد شدم و او به من گفت: می‌خواهم از دروازه ما، دروازه مغاریه، قرآن را تمام کنم. همان‌طور که می‌دانید این دروازه میراث مغاریب (افریقای شمالی) است. زمستان بود و باران. من با جمعی از زنان ایستادم و در آنجا، زیر باران، قرآن را ختم کردیم. آیا می‌توانید تصور کنید که بازجو [اسرائیلی] فیلمی از این رویداد را به من نشان داد؛ زیرا خواهری آن روز آن را فیلم‌برداری کرده بود؛ و به من گفت: «تا شمال افریقا رسیدی؟»؛ یعنی پیام و رباط و علمت به افریقا رسید (Shitrit, 2020: 168)

و از سوی دیگر، ادراک هستی‌شناختی معنویت‌مدار مرابطات بسط عمل آنان را ممکن می‌کند:

ندخل طناجر الطعام لیدخل اثرا منا داخل المسجد الاقصی علی الرغم من ابعاد اجسادنا الا ان اثرنا یدخل المسجد الاقصی (الحلوانی).^۱

۳. تثبیت منظر اسلامی فلسطینی مسجد الاقصی

حفظ منظر اسلامی مسجد الاقصی که به واسطه عملکرد گروه‌های یهودی راست افراطی به چالش کشیده می‌شود، نقطه داغ جدال رباط با رژیم است. فلسطینیان که ذیل تاریخ صدساله اشغال گام‌به‌گام آزادی عمل و دارایی‌های شخصی و سرزمین مادری و بسیاری از موارد معنوی‌شان به تاراج رفته است، به‌خوبی می‌دانند باختن مسجد الاقصی به یهودیان به بیانی پایان زیست اسلامی و فلسطینی آنان است. همین امر موجب می‌شود به ایده‌های تقسیم‌بندی زمانی مکانی مسجد الاقصی و «اقتحام» گروه‌های یهودی‌ای که عموماً در حمایت نیروهای امنیتی رژیم به مسجد الاقصی وارد می‌شوند، عکس‌العمل نشان دهند. این امر ابتدا متوقف بر «حضور» در مسیر آنان است؛ اما صرف حضور موجب بازپس‌گیری وجهه اسلامی مسجد الاقصی نیست؛ پس

1. <https://www.youtube.com/watch?v=8SVI8fM9te4>

قابلمه‌های غذا را داخل [مسجد الاقصی] می‌بریم تا اثری از ما وارد مسجد الاقصی شود علی‌رغم اینکه بدن‌های ما دور هستند، اما اثر ما وارد مسجد الاقصی می‌شود (الحلوانی).

در عکس العمل به تحریکات و رفتارهای توهین آمیزی که عموماً یهودیان با الفاظ یا چهره و دستانشان نشان می دهند، روابط با بلند کردن نمادین قرآن کریم و بلند کردن صدا به «الله اکبر» به مثابه شعار اسلامی اصیل دست به اعلان موضع گفتمانی خود می زنند. اعلان «الله اکبر» تأکیدی بر این حقیقت است که این مکان نه معبد یا کنیسه که مسجد است:

تستفزی أفعالهم داخل أسوار المسجد؛ يرفعون الأعلام، يآدون طقوسهم التلمودية وصلواتهم، يرقصون ويغنون، ويحلقون رؤوس أولادهم، بل وصل بهم الأمر إلى تنفيذ عقد القران داخله، والمصيبة الأكبر أنهم يدخلونه عراة غير أبيهن بحرمة (نفیسه خویص).^۱

به روایت روابط این تکبیرگویی، به رغم ظاهر بی آسایش، به خوف یهودیان و ناامن کردن فضا برای آنان منجر می شود و این پیروزی در تصاحب و تثبیت منظر اسلامی مسجدالاقصی است.

تکبیر تنها سلاحی است که در مسجدالاقصی داریم. آن‌ها از کلمه «الله اکبر» در مسجدالاقصی می ترسند؛ زیرا به مکانی وارد می شوند که از آن‌ها نیست. «چه کسی ستمکارتر از کسانی است که می خواهند مساجد خدا را ویران کنند و نام او را در آن‌ها نهی کنند. آنان سزاوار نیست که به مساجد وارد شوند الا با ترس»^۲ (زینہ عمرو).

خلق استعاره‌ها

به واسطه سلطه رژیم بر فضا و مکان مسجدالاقصی، طبعاً روابط در موضع فرودستی قرار می گیرند. برای شکستن این وضعیت، روابط جدال را به سطح دیگری منتقل می کنند: کدگذاری فضاها، وقایع و خلق استعاره‌هایی برای تحقیر سلطه رژیم اسرائیل.

جنبش مقلوبه؛ بازپس گیری دستور غذا

جنبش طبخ مقلوبه یکی از نمونه‌های انتقال جدال با رژیم به سطح نمادین است که

1. https://www.youtube.com/watch?v=k4YgUM9K_0g

کارهایشان در داخل محدوده مسجد مرا عصبانی می کند؛ پرچم‌ها را بالا می برند، آیین‌های تلمودی و نمازهای خود را به جا می آورند، می رقصند، آواز می خوانند و سرهای فرزندان خود را می تراشند، حتی کارشان به اجرای عقد ازدواج در داخل آن رسیده است و مصیبت بزرگتر این است که بدون توجه به حرمت آن، بدون پوشش شرعی وارد آن می شوند (نفیسه خویص).

۲. بقره، ۱۱۴.

3. <https://alqastal.info/post/22438>

کارهایشان در داخل محدوده مسجد مرا عصبانی می کند؛ پرچم‌ها را بالا می برند، آیین‌های تلمودی و نمازهای خود را به جا می آورند، می رقصند، آواز می خوانند و سرهای فرزندان خود را می تراشند، حتی کارشان به اجرای عقد ازدواج در داخل آن رسیده است و مصیبت بزرگتر این است که بدون توجه به حرمت آن، بدون پوشش شرعی وارد آن می شوند (نفیسه خویص).

به واسطهٔ ممارست مرابطات وجهه‌ای جهانی پیدا کرده است. تأکید بر طبخ مقلوبه به مثابهٔ غذای فلسطینی، در بدو امر، نوعی مقاومت فرهنگی و تحدی در برابر سرقت دارایی‌های معنوی میراث فلسطینی است. اولین طبخ مقلوبه در بیان مرابطات در عکس العمل به سرقت پیشینه‌دار دستور غذای فلسطینی و ثبت آن به نام غذای اسرائیلی بوده است:

انا اعتبر طبخة المقلوبه هي من الموطى الذى يغيب الكفار لما لها رمزية تحد و ثبات و صمود. طبخة القلوبه لها تاريخ اصلا لدرجة انه سمعنا فى الاونه الاخيره انه تم سرقتها للمطبخ اليهودى طبعا هو محتل و سارق اكيد سرقت تاريخ و زور تاريخ ليس من الصعب عليه ان يزور طبخة (الحلوانى)¹. علاوه بر این، واژگون کردن مقلوبه به نوعی استعاره‌ای از سرنوشتی رثیم غاصب را تداعی می‌کند. این بار نمادین به حدی است که رثیم آوردن مقلوبه به مسجد الاقصی را ممنوع اعلام کرده است:

هي طبخة قهرت الاحتلال لدرجة اني عندما كنت في السجن اخر مره و طبختها جن جنون المحقق قال لي انت بالاقصى طبختها، على ابواب الاقصى طبختها، على باب العمود طبختها، طبختها في البحرین، طبختها في تركيا، طبختها في كل مكان، اقدر اوصل فيه رساله و سبق قبل شهر بانه الاحتلال منع طنجره المقلوبه من الدخول و اخشى يوما انه ما يدعى قائد اللواء منطقة القدس يستخرج قرار ادارى بمنع المقلوبه كما يمنع المقدسين و الفلسطينيين من دخول المسجد الاقصى الامبارك (الحلوانى)².

هنر به مثابهٔ رباط

هنرهای دستی در نقطهٔ پیوند هویت فلسطینی و تعلق فلسطینیان به مسجد الاقصی است. نمایش هنرهای فلسطینی و خلق محصولاتى که به نوعی در پیوند با استعاره‌های جاافتادهٔ مرابطات هستند و همراه کردن آن با عمل مرابطات در صحن‌های مسجد الاقصی

1. <https://www.youtube.com/watch?v=kBMzBDXDwKE>

پخت مقلوبه را از جمله مواردی می‌دانم که کفار را خشمگین می‌کند، زیرا نمادی از چالش، پایداری و استقامت است. پخت مقلوبه تاریخ دارد در حدی که اخیراً شنیده‌ایم به عنوان غذاهای یهودی دزدیده شده است. البته او اشغالگر و دزد است، قطعاً تاریخ را دزدیده و جعل کرده است، برای او جعل دستور پخت [غذا] دشوار نیست (الحلوانی).

2. <https://www.youtube.com/watch?v=aKEyufR1Q9k>

این غذایی است که اشغالگران را به خشم آورده است تا حدی که وقتی آخرین بار در زندان بودم و آن را پختم، بازپرس دیوانه شد. به من گفت تو در الاقصى آن را می‌پزی، بر درهای الاقصى آن را می‌پزی، بر باب العامود آن را می‌پزی! در بحرین آن را پختم، در ترکیه آن را پختم، در هر جایی که بتوانم پیامی را برسانم آن را می‌پزم. یک ماه پیش هم اشغالگران از ورود ظرف مقلوبه جلوگیری کردند و می‌ترسم روزی فرا برسد که کسی که خود را فرمانده تیپ منطقه قدس می‌نامد، دستور اداری برای ممنوعیت مقلوبه صادر کند، همانطور که از ورود بیت المقدسی‌ها و فلسطینی‌ها به مسجد الاقصى مبارک جلوگیری می‌کند (الحلوانی).

یا مناطق پیرامونی آن یکی از راه‌های تثبیت منظر اسلامی فلسطینی مسجدالاقصی است. والدتی إحدى مرابطات المسجد الاقصی التي أفنت حياتها له، لاجئة من قرية بير ماعين. وهي ناشطة اجتماعيًا في جميع المناسبات الوطنية والسياسية والثقافية، وتعمل على تنسيق معارض تراثية لتبرز وتسلط الضوء على أهمية التراث والتطريز الفلسطيني الذي يحاول الاحتلال سرقة ونسبه له، وهي بالمناسبة تطرز مقتنيات وقطع فنية رائعة (آلاء الصوص)^۱.

۴. خلق خاطرة جمعی

تمرکز مرابطات بر انتقال ایده مسجدالاقصی و ساخت خاطره با مسجدالاقصی یک مخاطب محوری دارد و آن کودک فلسطینی است. برای فریه‌تر شدن تجربه زیسته کودکان در خصوص مسجدالاقصی، علاوه بر آموزش‌هایی که در مصاطب العلم به آن‌ها اختصاص دارد، اردوهای تابستانی هم طراحی می‌شود که محملی برای گرد هم آمدن کودکان فلسطینی از نقاط مختلف سرزمین‌های اشغالی است:

ما صدها شرکت‌کننده داشتیم، نزدیک به هزار دانش‌آموز در طول تعطیلات تابستانی که در اردوهای تابستانی در الاقصی شرکت کردند. کودکان دوران کودکی خود را در مسجدالاقصای مبارک سپری می‌کنند، بازی می‌کنند، خوش می‌گذرانند، قرآن می‌خوانند، درس می‌خوانند، هر کاری را در الاقصی انجام می‌دهند (الحلوانی)^۲.

علاوه بر این، اهتمام شخصی مرابطات برای آوردن فرزندانشان به مسجدالاقصی کد تکرار شونده در گفتمان آن‌هاست؛ اینکه کودکان را با عشق به مسجدالاقصی تربیت کنند یا احساس تعلق به آن را در نسل بعدی تحکیم کنند:

من به قدس (بیت المقدس) برگشتم و فرزندانم را برای گذراندن اوقاتی در [الاقصی] می‌بردم و این زیباترین اوقاتی بود که می‌توانید تصور کنید. بازی می‌کردند و خوش می‌گذرانند و فرایض دینی خود را انجام می‌دادند. همچنین در تعطیلات، در ماه رمضان و در مناسبت‌های خاص. همچنین اردوهای تابستانی در الاقصی برگزار می‌شد که در آن‌ها شرکت می‌کردیم... به مسجدالاقصی می‌رفتم تا از برکتی که خداوند به آن عطا کرده بود بهره‌ای

1. <https://bnfsj.net/post/1162>

مادرم یکی از مرابطان مسجد الاقصی است که زندگی خود را وقف آن کرده است؛ او آواره ای از روستای بیر معین است؛ فعال اجتماعی در تمام مناسبت‌های ملی، سیاسی و فرهنگی است و برای هماهنگی نمایشگاه‌های تراثی تلاش می‌کند تا اهمیت تراث و گلدوزی فلسطینی را که اشغالگران در تلاش برای دزدیدن و نسبت دادن آن به خود هستند، برجسته و آشکار کند. ضمناً او آثار هنری و مجموعه‌های فوق العاده‌ای را گلدوزی می‌کند (آلاء الصوص).

2. <https://alqastal.info/post/22438>

ببریم (زینہ عمرو)^۱.

این رسالت به حدی خطیر است که برخی مرابطات، با محروم شدن از ورود به مسجد الاقصی، دل مشغول آسیبی هستند که بدین واسطه به دارایی کودکان اطرافشان وارد می‌آید؛ کودکان از زیست و خلق خاطره با اقصی محروم می‌شوند:

بزرگ‌ترین رنج من این بود که با تبعید من از اقصی فرزندان خانواده‌ام که آن‌ها را با خود به مسجد الاقصی می‌آوردیم تا محبت این‌جا را در وجودشان بارور

کنم، از این مکان محروم شده بودند (مدلین عیسی)^۲.

این پافشاری برای انتقال ایده اقصی به مثابه نوعی سنت تاریخی فلسطینی بازنمایی می‌شود. در روایت اغلب مرابطات، تصویری از کودکی و نحوه درونی شدن تعلق به مسجد الاقصی دیده می‌شود و انتقال این دارایی از میراث پیشین فلسطینیانی که اقصی را آزاد دیده‌اند محور ایده فلسطین آزاد است.

در مسیری دیگر، خلق خاطره با اقصی به واسطه پیوند زدن مناسک روزمره با حضور در مسجد الاقصی پیگیری می‌شود. برگزاری مراسم عقد یا آوردن نوزادان فلسطینی به مسجد، علاوه بر تمسک به ماهیت قدسی و مبارک مسجد الاقصی، شکلی از تثبیت مالکیت دینی و هویتی است که به نیت رباط انجام می‌شود:

لقد اخترنا عقد قراننا بنية الرباط في المسجد الأقصى، والدفاع عنه ضد كل محاولات الاحتلال الهادفة للسيطرة عليه وتقسيمه، فالمسجد الأقصى بالنسبة لنا عقيدة ودين وقضية نعیش من أجلها، ونحن مستعدون أن نفديه بأغلى ما نملك.

سنربي أطفالنا على ما تربينا عليه، لذلك طلبت أن تزور ابنتي المسجد الأقصى في أول يوم من ميلادها لتحفها بركة المكان وطهره (بيان جعبه)^۳.

۵. صمود

پافشاری بر مرابطه در بیت المقدس، به واسطه جدال در کلان‌روایت‌ها، سرشار از هزینه است. تقریباً تمام مرابطات با گذشت مدتی از ورود به میدان مرابطه و درگیر شدن با

1. <https://www.aljazeera.net/programs/women-voices/2021/6/2>

2. <https://www.youtube.com/watch?v=ECseErnuDik>

3. <https://www.youtube.com/watch?v=p0u00dKnJw>

ما عقد ازدواجمان را با نیت مرابطه در مسجد الاقصی و دفاع از آن در برابر تمام تلاش‌های اشغالگران برای سیطره بر آن و تقسیمش خواندیم. مسجد الاقصی برای ما عقیده، دین و مسئله‌ای است که برای آن زندگی می‌کنیم و حاضریم با ارزشمندترین دارایی‌هایمان فداایش کنیم.

ما فرزندانمان را بر اساس آنچه خودمان بر آن تربیت شده‌ایم، تربیت خواهیم کرد و به همین دلیل است که خواستم دخترم در اولین روز تولدش زیارت مسجد الاقصی را زیارت کند تا برکت و پاکی مکان او را در بر بگیرد (بیان جعبه).

اتفاقات مسجد الاقصی تجربه‌های مشابهی از ضرب و شتم، دستگیری، زندان، تخریب منازل، دریافت اختطاریه و تهدیدهای غیررسمی، محروم شدن از ورود به مسجد الاقصی و آسیب دیدگی از اجرای مجازات‌های جمعی (مجازات خانواده به جرم کنش فرد) را گزارش کرده‌اند. بخش چشمگیری از بازنمایی‌ها در فیلم‌ها و مصاحبه‌ها به این وقایع پیوند می‌خورد و گاه عکس‌العمل شجاعانه فرد در برابر قوای مسلح اسرائیلی او را در شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی به مثابه قهرمان فلسطین بازنمایی می‌کند یا موجب اعطای القابی به فرد می‌شود که اهتمام جامعه فلسطینی را به مسجد الاقصی نشان می‌دهد. ادبیات مرابطات درباره تجربه‌های رنج‌آلوده‌ای که گزارش می‌کنند بر محور مفهوم «صمود» و مقاومت شکل می‌گیرد.

أبعدوني واعتقلوني واضربوني عشرات المرات؛ ضربوني في سلوان والعيسوية، كسروا يدي بالقرب من باب العمود، كسروا أصبعي في حي الشيخ جراح، نزعوا حجابي عن رأسي وسحبوني من شعري، لكن مهما فعلوا وتمادوا لن يبعد نفيسة عن المسجد الأقصى إلا الموت (نفيسة خويص).^۱

و می‌گویم زنی در دروازه الاقصی برابر با هزار مرد است. ... اگر زنی را از یک دروازه منع می‌کردند، به دروازه دیگر می‌رفت؛ و عده‌ای از زنان برای ورود مخفی شده بودند و از انواع ترفندها برای ورود استفاده می‌کردند. سپس باوجود اینکه آن‌ها را کتک زدند و دستگیر کردند و ممنوع و جریمه کردند این را می‌توانم به شما بگویم و کاملاً به این موضوع اطمینان دارم، گروهی از زنانی که دستگیر و ضرب و شتم و جریمه شدند برای دفاع از الاقصی و حضور بیشتر مصمم شدند، نسبت به زنانی که این را تجربه نکردند. گویی اشغال، زنان را به صخره تبدیل کرده است. تمام فشارها باعث شد زنان قوی‌تر شوند. ... وقتی یک بار، دو بار، سه بار دستگیر می‌شوید، می‌فهمید آخرش همین است، دیگر از دستگیری نمی‌ترسید. یک بار، دو بار، سه بار کتک می‌خوری، بعد کتک خوردن بی‌اهمیت می‌شود. مهم این است که وارد الاقصی شوم. حتی اگر لباسم را سوزانند، اشکالی ندارد، یکی را پیدا می‌کنم که به من جلباب بدهد و کمک کند. تمام حملات اشغالگران باعث شد که زنان قوی‌تر شوند و حقوق خود را سخت‌تر حفظ کنند (الحلوانی).^۲

1. https://www.youtube.com/watch?v=k4YgUM9K_0g

ده‌ها بار مرا تبعید، دستگیر و کتک زده‌اند؛ در سلوان و عیسویه مرا کتک زدند، در نزدیکی باب العامود دستم را شکستند، در محله شیخ جراح انگشتم را شکستند، حجابم را از سرم برداشتند و موهایم را کشیدند، اما هر چقدر هم که انجام دهند و زیاده‌روی کنند، جز مرگ چیزی نمی‌تواند نفیسه را از مسجد الاقصی دور کند (نفیسه خويص).

2. <https://alqastal.info/post/22438>

بحث و نتیجه گیری

برای درک نحوه امتزاج هویت مقاومت با مسجدالاقصی، فهم مقاومت از منظر انسان فلسطینی ضرورت دارد. برای انسان فلسطینی، مفهوم مقاومت در پیوند با به جریان انداختن زندگی روزمره قرار گرفته است؛ چراکه بزرگ‌ترین حربه رژیم برای هضم و حذف فلسطینیان دقیقاً همین به تعلیق درآوردن زندگی روزمره و از میان بردن تخیل جغرافیایی فلسطینیان از سرزمین فلسطین است. این سیاست به‌ویژه از دهه ۹۰، با اعمال قدرت و محدود کردن تحرک فلسطینیان به بهانه‌های متنوع، «رژیم کنترل» جدیدی را بر فلسطینیان تحمیل می‌کند. مقوله‌های اجتماعی متنوعی پیوسته بازه و سرعت حرکت افراد در فلسطین اشغالی را سازمان‌دهی می‌کنند و اعمال تعلیق در اشکال متنوعی چون ایست‌های بازرسی، مجوزها و سیستم‌های جاده‌ای امکان معنابخشی به فضای زندگی فلسطینی را با مشکل مواجه می‌کند تا انواع ویرانی‌های اقتصادی، شکاف‌های اجتماعی، مشکل در دسترسی به خدمات آموزشی و درمانی و انزوایی ناخواسته را به فلسطینیان تحمیل کند (Petee, 2017: 89).

از همین رو، نقطه اتصال رباط با مسجدالاقصی دقیقاً پیوند زدن زندگی روزمره به مسجدالاقصی و مقاومت مستمر در برابر تعلیقی است که رژیم برای آن ایجاد می‌کند. مقاومت در این میدان صورت مسالمت‌آمیزی دارد؛ اما بر ادراک جمعی فلسطینیان از ماتریس کنترل رژیم مبتنی است: زیست در سرزمین‌های اشغالی برای فلسطینیان باید به درجه‌ای از عسرت و انسداد و تعلیق پیوسته برسد که ابتدای زندگی بر هیچ شکلی از نظم تکرارشونده روزمره‌ای در آن تحقق‌پذیر نباشد. اساساً هیچ شکل پیش‌بینی‌پذیر و برنامه‌پذیری از زیست میسر نشود و «حضور در مکان»، به‌مثابه گام اول خلق تجربه زیسته و برقراری پیوند با تراثی تمدنی، با انواع مضیق‌های ساختاری هرچه ناممکن‌تر شود. در برابر این تعدی، هویت مقاومت انسان فلسطینی اقتضا می‌کند که پیوسته «حاضر» شود و نگذارد زندگی روزمره از جریان بیفتد.

از وجهی دیگر، این پیوند با مسجدالاقصی البته متأثر از ادراک ویژه‌ای است که انسان فلسطینی از کارکرد مسجد دارد. برای مرابطات که مسجد را در جدال با دیگری تمدنی‌شان فهم می‌کنند و برای تثبیت منظر اسلامی آن می‌جنگند، مسجد نهادی مازاد بر نظم زندگی روزمره نیست. مسجد در پیوند تام و تمام با زندگی روزمره است. این پیوند با زندگی در معماری و نحوه استقرار مسجد در فیزیک شهری دیده می‌شود و وجود دروازه‌های عبور و مرور متعدد که مجرای حرکت از نقاط متنوع شهر به مسجد و بالعکس بوده است این دلالت را تقویت می‌کند. مسجدالاقصی از جهاتی به‌واسطه

بوروکراتیزه نشدن ذیل حاکمیتی شبه‌مدرن یا واپس‌گرا به صورت ایدئال مسجد در نظام اسلامی نزدیک‌تر است. در حقیقت، جایگاهی که مسجدالاقصی به‌مثابه مکان مقدس در این پیوند ایفا می‌کند شکل ویژه‌ای از ادراک مسجد است که به تصویر عتیقی که از مسجد نبوی روایت شده نزدیک است. در تصویر مسجدالنبی در زمان پیامبر، مسجد نقطه کانونی است که در آن انواع متکثری از دادوستدهای جمعی اعم از مسائل معنوی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و... سامان می‌یابد. این الگو در وضعیت کنونی مسجدالنبی به‌واسطه تصدیگری‌های دولت سعودی و رویکردهای خاص آن حتی در ایام حج هم محقق نمی‌شود؛ اما در مسجدالاقصی صورتی عملی به خود می‌گیرد. چنانچه کنشگری برای حل مسئله زیست روزمره فلسطینیان در بازپس‌گیری منظر اسلامی مسجدالاقصی بعینه تبلور دارد. در پیوند این ادراک ویژه از مسجد و مقاومت است که روابط با خلق شبکه دلالت، برای دور زدن انسدادی که رژیم در مسیر نظم روزمره آن‌ها ایجاد کرده است، جدال را از سطح امر روزمره به سطح استعاره‌ها می‌کشاند. جدال، با فراتر رفتن از محدودیت‌های فیزیکی که رژیم قادر است اعمال کند، دست روابط را برای بازپس‌گیری هویت دینی فلسطینی و اعلام حق مالکیشان بر زمین و منظر دینی مسجدالاقصی و کل سرزمین غصب‌شده فلسطین باز می‌کند. امتزاج این ادراک از مسجد و مقاومت در پیوند با معنویت غیرماتریالیستی روابط موجب می‌شود انسان فلسطینی بتواند وراى انقطاعی که رژیم تولید می‌کند دست به خلق نظم‌ها و معانی جدید بزند و آشکال تحرک جدیدی را میسر کند که در آن «حضور» او در امتداد عالم غیب قرار می‌گیرد و اثرگذاری او به‌واسطه اثرگذاری عالم غیب ضریب پیدا می‌کند. ترس ایجادشده در یهودیان افراطی به‌واسطه حضور و تکبیر بلند روابط یکی از مصادیق این ضریب‌یافتگی عمل روابط است و بر این امر صحه می‌گذارد که اسرائیل ممکن است بتواند افراد و سازمان‌های خاصی را ممنوع کند؛ اما قادر به کنترل ادراک فلسطینیان و نحوه ابراز ایمانشان نیست.

گام بعدی برای روابط وراى غلبه بر تعلیق زندگی روزمره، در مقابله با استعمار پیش‌رونده‌ای که بر آن‌ها تحمیل می‌شود، ایجاد تعلیق متقابل است. تعلیق متقابل و ایجاد هزینه برای رژیم پاتک گفتمانی رابطاتی است که پس از تحمل انواع مجازات‌های فردی و جمعی از سوی رژیم، دستاورد خود را واداشتن دشمن به بذل

هزینه و نیرو و زمان برای کنترل عوارض عمل رباط خود ذکر می‌کند.^۱ گویی ایده اولیه رابطه که در معنای آن محفوف است و آن پاسداری از مرزهاست، این بار در جدال برای حفظ مرزها و عقب زدن محدودیت‌هایی به استخدام درمی‌آید که در زندگی روزمره تجربه می‌شود.

بدین ترتیب، مرزهای روابط در زیست روزمره بر مرزگذاری‌های متعارفی منطبق نیست که حوزه خصوصی و عمومی را از یکدیگر متمایز می‌کند. تمایزات عمومی و خصوصی در تجربه روابط صورت‌بندی دیگری دارد. برای روابط، مسجداً اقصی محیطی عمومی است که حوزه خصوصی آن‌ها تلقی می‌شود. همین نگرش است که موجب می‌شود برای توصیف اقصی از استعاره خانه مدد بگیرند. اقصی خانه بزرگ فلسطینیان است که حفظ آن و صمود و هزینه دادن در راه آن تنها مسیر حفظ خانه‌های کوچک و حوزه خصوصی است.

چرخه تبدیل اقصی به خانه با ایده محوری «اقصی خانه ماست و دوباره غصب نمی‌شود» باعث شده رژیم در عکس‌العمل به آن، با امنیتی کردن حوزه خصوصی روابط مقدم بر غصب اقصی، به غصب خانه‌ها و بدن‌های روابط دست بزند. انواع حصرهای خانگی، هجوم و تفتیش منازل، شنود تماس‌های تلفنی و مجازی، به اسارت بردن همسران و پسران به جای زنان، قطع خدمات شهروندی اعم از خدمات درمانی، تخریب منزل روابط نمونه‌هایی از این دست است.^۲ اما ادراک متفاوت روابط از تفکیک امر خصوصی و امر عمومی به مثابه بستری برای نضج هویت

۱. من به آن‌ها می‌گویم که سخنان آن‌ها درست است. درواقع، زن ضعیف‌تر است و نقش او باید در خانه او محدود شود؛ اما آنچه ارتش انجام داده است آن ارتشی که شکست‌ناپذیر تلقی می‌شود نشان می‌دهد زنان آن را شکست دادند. برای برخورد با یک زن باید چند نفر را استخدام می‌کردند؟ من شخصاً درباره خودم صحبت می‌کنم. زمانی که از آخرین بازداشت آزاد شدم، به چند شرط آزاد شدم: باید جرمه می‌دادم، یک دوره حبس خانگی طی می‌کردم، ممنوع‌الخروج بودم و... همه این اقدامات علیه زنی انجام شد که مردم می‌گویند ضعیف است؛ اما تأثیرگذار است. در حبس خانگی قرار گرفتم، باید بیست و چهار ساعته زیر نظر پلیس می‌بودم. ساعت چهار بعدازظهر می‌آمدند. برای تأیید اینکه من در خانه هستم و ساعت یک بامداد می‌آمدند. به این معنی که به‌خاطر همین یک زن باید پنج پلیس را مشغول می‌کردند و هریک از آن‌ها تقریباً ۱۰ هزار شیکل از دولت به‌خاطر این زن [حقوق] دریافت می‌کنند؛ یعنی ۵۰ هزار شیکل در ماه به‌خاطر این زنی که مردم می‌گویند: «او چه می‌تواند بکند؟» اگر اقدامات من تأثیری نداشت، تمام اطلاعات اشغالگر صهیونیستی و کل رژیم صهیونیستی را برای تعقیب این یک زن و نظارت بر او به خدمت نمی‌گرفتند. آن‌ها مرا زیر نظر دارند. یک سال کامل مکالمات تلفنی مرا زیر نظر دارند و بعد به‌خاطر چیزی که تلفنی یا پیامی گفته‌ام دستگیر می‌کنند و از من می‌پرسند که با این زن چه صحبتی کردم و با آن زن چه گفتم [که من] پیام‌های تحریک‌آمیزی برای او فرستادم. [می‌گویند] «شما القا می‌کنید که باید به الاقصی برویم و تعداد زیادی را جذب کنیم؛ زیرا در الاقصی حمله (اقتحام) وجود دارد». برای دریافت این مکالمه و ترجمه آن از عربی به عبری، هر مکالمه ۱۰۰ شیکل هزینه دارد و من در یک روز حدود سی بار با تلفن صحبت می‌کنم. پس، سی مکالمه در روز، سی روز در ماه، دوازده ماه در سال، این زن ضعیف برای اشغالگر هزینه درست کرده است (الحولانی به نقل از (لکویئر، ۲۰۲۳: ۱۵۷).

مقاومت عمل می‌کند. برای رباط، مسجدالاقصی منطقه‌الفراقی میان حوزه خصوصی و حوزه عمومی است. محلی برای به چالش کشیدن دیگری هویتی است و شاخصی برای سنجش این امر است که «چه کسی قدرت نوشتن این منظر اجتماعی را دارد». چنین رویکردی هزینه‌های کنشگری مرابطات را که عمدتاً دامن‌گیر خانه و خانواده‌های آن‌ها نیز می‌شود، معنادار می‌کند. ایده محوری مرابطات این است که این هزینه در نگاه کلان بابت حفظ و بقای خانواده و «انسان فلسطینی» پرداخت می‌شود. از این منظر، رباط نه آن‌چنان که برخی پژوهش‌ها بازنمایی می‌کنند کنشگری زنانه (Ihmoud, 2019: 521) که تصمیم جمعی و اقتضای عمل انسان فلسطینی است که به‌رغم طردهای پیش‌رونده رژیم صهیونیستی، در سرزمین‌های اشغالی «حاضر» است و آگاهانه، آن را ترک نکرده است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

Zahra shahrzad  <https://orcid.org/0000-0002-8765-1089>



منابع و مأخذ

- ابراهیمی، هادی (۱۳۹۷). تأثیرات سیاست‌های احزاب و جریانات تندرو صهیونیستی بر هویت فلسطینیان، مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی و آمریکاشناسی، ۱(۱۹)، ۱۱-۲۸.
- أحمد مختار عمر (۲۰۰۸). معجم اللغة العربية المعاصرة. جلد دوم، القاهرة: عالم الكتب.
- محسن صالح (محرر) (۲۰۱۴). التقرير الاستراتيجي الفلسطيني، بيروت: مركز الزيتونة للدراسات والاستشارات، ۱۲۲-۱۳۲.
- محسن صالح (محرر) (۲۰۱۶). التقرير الاستراتيجي الفلسطيني، بيروت: مركز الزيتونة للدراسات والاستشارات، ۱۴۲-۱۵۲.
- ابو عرفه، خالد (۲۰۱۷). المقاومة الفلسطينية للاحتلال الإسرائيلي في بيت المقدس، بيروت: مركز الزيتونة للدراسات والاستشارات، ۱۹۸۷-۲۰۱۵.
- شريف أبو شمالة (۲۰۲۱). الدور الشعبي في الدفاع عن المسجد الأقصى: الرباط نموذجاً. مجلة دراسات بيت المقدس، ۲۱(۲)، ۲۵۳-۲۶۸.
- Lavrenova, O. (2019). Cultural Landscape as a Metaphor. In: Spaces and Meanings. Numanities - Arts and Humanities in Progress, vol 8. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-15168-3_4
- Khalidi Rashid, (1999) "Landscape Perspectives on Palestine" <https://www.palestine-studies.org/en/node/78217>
- Devran Koray Öcal (2022) *Mosques as Spaces of Everyday Geopolitical Tensions*, Geopolitics, 27:2, 629-654, DOI: 10.1080/14650045.2020.1820485
- Luz, N. (2013). *Metaphors to Live by: Identity Formation and Resistance Among Minority Muslims in Israel*. In: Hopkins, P., Kong, L., Olson, E. (eds) Religion and Place. Springer, Dordrecht. https://doi.org/10.1007/978-94-007-4685-5_4
- Schmitt, K. (2017). *Ribat in Palestine: The growth of a religious discourse alongside politicized religious practice*, Jerusalem Quarterly
- Ihmoud, S. (2019). Murabata: The Politics of Staying in Place. *Feminist Studies*, 45(2-3), 512-540. <https://doi.org/10.15767/feministstudies.45.2-3.0512>
- Our Narrative... Operation Al-Aqsa Flood, Hamas media team
- Charles, L., Pappé, I., & Ronchi, M. (Eds.). (2021). *Researching the Middle East: Cultural, Conceptual, Theoretical and Practical Issues*. Edinburgh University Press. <http://www.jstor.org/stable/10.3366/j.ctv1kd7x9t>
- Shitrit L. Al-Aqsa will not be Divided!: Murabitat Traveling to, Studying in, and Fighting for al-Aqsa. In: *Women and the Holy City: The Struggle over Jerusalem's Sacred Space*. Cambridge University Press; 2020:122-175.
- Peteet, J. (2017). *Space and Mobility in Palestine*. United States: Indiana University Press.
- Marion Lecoquierre (2023) *Ribāt in Palestine: life on the frontier*, Contemporary Levant, 8:2, 157-173, DOI: 10.1080/20581831.2023.2246798

